



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# دختران و جوانان

تیرمدرسه زندگی

کتابخانه ملی افغانستان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دختران نوجوان در مدرسه زندگی

نویسنده:

هادی منسوبی

ناشر چاپی:

صحیفه معرفت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	دختران نوجوان در مدرسه زندگی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	مقدمه
۱۱	درس اول: عشق و محبت
۱۱	تعریف عشق و محبت
۱۱	مراتب محبت
۱۲	تقسیمات عشق و محبت
۱۲	عشق صحیح و غلط در متون دینی
۱۳	آثار زیانبار عشق های غلط در مسأله ازدواج
۱۳	خلاصه درس در چند نکته
۱۳	سؤالات درس
۱۴	برای مطالعه بیشتر
۱۴	درس دوم : روابط دختر و پسر
۱۴	منظور از روابط دختر و پسر
۱۴	اقسام روابط دختر و پسر
۱۵	مهمترین انگیزه های پسران برای ارتباط با دختران
۱۵	مهمترین انگیزه های دختران برای ارتباط یا پسران
۱۶	پیامدها و تبعات زیان بار ارتباط نامشروع دختر و پسر
۱۷	راه صحیح برخورد با نامحرم
۱۷	سؤالات درس
۱۸	برای مطالعه بیشتر
۱۸	درس سوم : جایگاه واقعی زن

۱۸	چند دیدگاه کلی نسبت به زن
۱۸	نگاه افراطی به زن (فمنیسم)
۱۸	نگاه تفریطی به زن
۱۹	زن در دیدگاه معتدلی و حکیمانه (اسلام)
۲۱	خلاصه درس در چند نکته
۲۱	سؤالات درس
۲۱	برای مطالعه بیشتر
۲۱	درس چهارم: موسیقی
۲۱	تعریف موسیقی
۲۲	تاریخچه ورود موسیقی به ایران
۲۲	نظریه دانشمندان بزرگ دنیا در مورد موسیقی
۲۳	تبعات و بیماری‌های جسمی و روانی موسیقی حرام
۲۳	موسیقی حرام از دیدگاه دین
۲۴	آثار و عواقب موسیقی حرام در روایات
۲۴	توهم تأثیر موسیقی در تصفیه روح
۲۴	تأثیر موسیقی در راندمان و کار بیشتر
۲۵	خلاصه درس در چند نکته
۲۵	مطالعه بیشتر
۲۵	درس پنجم: تفاوت در حقوق زن و مرد
۲۵	موضوع درس
۲۶	فرق تفاوت و تبعیض
۲۶	دوست پسر داشتن برای دختران
۲۷	وجوب نمازهای قضای والدین بر پسر بزرگتر
۲۷	تفاوت دیه زن و مرد

- ۲۷ ..... تفاوت شهادت بر جرم در مورد زن و مرد
- ۲۷ ..... قضاوت زن
- ۲۷ ..... مرجعیت زن
- ۲۸ ..... تفاوت سن تکلیف زن و مرد
- ۲۸ ..... عدم تفاوت اصل عقل زن و مرد
- ۲۸ ..... اجازه پدر در ازدواج دختر
- ۲۹ ..... اصول حاکم در تفاوت‌های حقوقی زن و مرد
- ۲۹ ..... خلاصه درس در چند نکته
- ۳۰ ..... سوالات درس
- ۳۰ ..... برای مطالعه بیشتر
- ۳۰ ..... درس ششم : عوامل پیروزی و موفقیت
- ۳۰ ..... موفقیت و پیروزی در زندگی
- ۳۱ ..... عوامل پیروزی و موفقیت:
- ۳۱ ..... عوامل بیرونی یا خارجی پیروزی و موفقیت
- ۳۱ ..... عوامل درونی یا فردی پیروزی و موفقیت
- ۳۴ ..... عوامل خیالی موفقیت و پیروزی
- ۳۵ ..... موانع اصلی موفقیت و پیروزی
- ۳۵ ..... خلاصه درس در چند نکته
- ۳۶ ..... سوالات درس
- ۳۶ ..... برای مطالعه بیشتر
- ۳۶ ..... درس هفتم : حجاب
- ۳۶ ..... تعریف حجاب
- ۳۶ ..... تاریخچه حجاب و پوشش
- ۳۷ ..... نظر برخی از دانشمندان و هنرمندان غیر مسلمان

- حجاب از دیدگاه اسلام ..... ۳۷
- مهمترین علل بدحجابی ..... ۳۸
- مهمترین فوائد حجاب و پوشش ..... ۳۹
- مسئولیت پدر در مورد حجاب خانواده ..... ۳۹
- خلاصه درس در چند نکته ..... ۴۰
- سؤالات درس ..... ۴۰
- برای مطالعه بیشتر ..... ۴۰
- درس هشتم : نماز ..... ۴۰
- نماز ..... ۴۰
- چند سؤال و جواب ..... ۴۱
- جایگاه نماز در ادیان آسمانی ..... ۴۱
- آثار و فوائد نماز ..... ۴۱
- احکام نماز ..... ۴۲
- آداب نماز ..... ۴۲
- اسرار نماز ..... ۴۲
- عوامل حضور قلب در نماز ..... ۴۲
- عوامل غفلت و حواس پرتی در نماز ..... ۴۳
- مهمترین، علل ترک نماز ..... ۴۳
- عواقب سهل انگاری و ترک نماز ..... ۴۳
- خلاصه درس در چند نکته ..... ۴۴
- سؤالات درس ..... ۴۵
- برای مطالعه بیشتر: ..... ۴۵
- درس نهم : جاوانگی انسان ..... ۴۵
- جاودانگی انسان ..... ۴۵



۴۵	انسان موجودی ابدی
۴۶	روح و بدن انسان
۴۶	جنس بدنهای انسان
۴۷	جنس روح انسان
۴۷	عدم تاثیر پذيرش جاودانگی در وجود جاودانگی
۴۷	خلاصه درس در چند نکته
۴۸	سؤالات درس
۴۸	برای مطالعه بیشتر
۴۸	درس دهم : مراحل زندگی انسان
۴۸	اشاره
۴۹	مراحل زندگی انسان
۵۰	پاداش و كيفر به طور کامل در آخرت
۵۱	عوامل آسان جان سپردن
۵۱	ترس از مرگ
۵۱	یاد مرگ
۵۲	برزخ و قبر
۵۲	مدت برزخ و قیامت
۵۲	سؤالات برزخ
۵۳	سؤالات قیامت
۵۳	عوامل عمده سعادت و عاقبت به خیری
۵۳	کمک به درگذشتگان
۵۳	خلاصه درس در چند نکته
۵۴	سؤالات درس
۵۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## دختران نوجوان در مدرسه زندگی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: منسوبی، هادی، ۱۳۵۶ - عنوان و نام پدیدآور: دختران نوجوان در مدرسه زندگی / هادی منسوبی. مشخصات نشر: قم: صحیفه معرفت ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۱۷۰ص: مصور، جدول، نمودار. وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: دختران -- راه و رسم زندگی رده بندی کنگره: HD۷۹۸/م۳د۸۸ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۳۰۵/۲۳۰۸۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۳۰۰۵۹

### مقدمه

کتاب حاضر در قالب ده درس به مهمترین سؤالات و ابهامات دختران نوجوان پاسخ داده است. عنوان کتاب "دختران نوجوان در مدرسه زندگی" است و مخاطب اصلی آن دختران نوجوان هستند، اما از منظر مؤلف، مطالعه، دقت و ترویج آن برای همه دلسوزان فرهنگ اسلامی و هویت ایرانی خصوصاً پدران و مادران آگاه، معلمین، مشاورین و مبلغین دینی مدارس، خالی از لطف نمی باشد. کتاب حاصل چندین سال تلاش تبلیغی مؤلف در پاسخگویی به سؤالات دانش آموزان در مدارس دخترانه است و عمدتاً به سطح علمی و ایمانی آنها توجه شده است. دوران نوجوانی دختران از مقاطع بسیار حساس زندگانی آنهاست و به همین دلیل، شاهد تلاش شدید و همه جانبه دشمنان درونی و بیرونی برای نابودی گوهر عفاف و حیای دختران در این دوران هستیم. آمار عجیب و غریب سرمایه گذارهای برخی از کشورها برای نابودی حرمت ایران و ایرانی مسلمان گرچه در نظر ابتدائی غیرقابل باور است ولی حقیقتی تلخ و واقعی است. طوفان کانالهای ماهواره ای و سایتهای ضد اخلاقی که هجومی خاموش با همدستی نفس اماره و شیطان دارد شعله های ایمان مردم این مرز و بوم را هدف رفته است و با هر ترفندی حجاب و غیرت ایرانی را تخریب می کند. در این شیطان سالاری و قتل عام فرهنگی تنها راه، بازگشت همگانی به معارف قرآن کریم و فرمایشات معصومین (علیهم السلام) است و همه می دانیم جامه عمل پوشاندن به اصول اعتقادی و دینی با شعار محقق نمی شود و آنکه بدون علم و عمل بخواهد در این صحنه خدمت کند به بیراهه رفته است و لذا در فریضه امر به معروف و نهی از منکر که بقیه فرائض بر آن استوار است، نقش علم به معروف و منکر در ابتداء قرار دارد، لذا استفاده از متخصصان دلسوز و آگاه نه یک سلیقه بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر برای تربیت جامعه و خصوصاً نوجوانان و جوانان بوده و مصداق عمل به قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) است و قطعاً تعلیم زنان و دختران نوجوان و جوان در این پروژه بر بقیه اقسام اولویت دارد، چون از دامن زن مرد به معراج می رود. در شیوه نگارش مطالب کتاب سعی بر رعایت نکات زیر داشته ام: (۱) توجه به سن مخاطبان اصلی که بیشتر نوجوان هستند. (۲) روش درسی داشتن مطالب برای آنکه معلمین یا مبلغین دینی بتوانند آنها را به دانش آموزان عرضه نمایند، البته با توجه به تجربیات و نکات لازمی که در تدریس نیاز است. (۳) نظم و انسجام خاص در ارائه مطالب و چکیده ی درس در چند نکته. (۴) سؤالات پایان درسها غالباً مطابق نیاز و گاه همانند سؤالات دانش آموزان است. (۵) پرهیز از اصطلاحات خاص علمی. (۶) منابعی برای مطالعه ی بیشتر، پس از هر درس آمده است برای آنکه دسترسی علاقمندان آسان گردد. (۷) هدف مؤلف ایجاد تشنگی در مخاطبان برای مطالعه بیشتر در موضوعات درس و تبدیل کردن علم به ایمان بوده است، لذا از نوشتن مطالب طولانی و خسته کننده خودداری کرده است. (۸) خوانندگان عزیز توجه دارند، از آنجا که کتاب در اصل پاسخ به سؤالات دختران نوجوان است، لذا مختصر و مفید نوشته شده است. به امید آنکه با عنایت الهی و ذره توجه یگانه دوران، مهدی زهراء (عج الله تعالی فرجه الشریف) شاهد بلوغ فکری و اجتماعی دختران نوجوان در همه زمینه ها باشیم. ارائه ی نظرات و پیشنهادات و انتقادات سازنده ی شما نویسنده را برای اصلاح خویش و نوشتارش یاری می نماید. پل ارتباطی: [hadimansobi@yahoo.com](mailto:hadimansobi@yahoo.com) سایت سلسله موی دوست، قرآنی و تربیتی - علمی و آموزشی:

www.3alavat.ir وبلاگ سلسله موی دوست، قرآنی و تربیتی - علمی و آموزشی: www.3el3ele.blogfa.com هادی

منسوی قم مقدس - شهرک پردیسان تیرماه ۱۳۸۸

## درس اول: عشق و محبت

### تعریف عشق و محبت

حس و فطرت کمال جویی در انسان نیروی بسیار قوی و کارآمد است و همین نیرو باعث شده بسیاری به دنبال معشوق و محبوب باشند، حتی گفته شده: هرگاه انسان عاشق شود به وادی انسانیت وارد شده است، اما سخن اینجاست که چه عشقی؟ و چه معشوقی؟ بسیاری از افراد به دلیل عدم شناخت، جهل، مرعوب شدن، اشتباه در مصداق و مانند آن گرفتار عشق های غلط می شوند، لذا باید پس از تعریف لغوی، عشق صحیح را از غلط جدا سازیم و ویژگیهای هر کدام را بیان کنیم تا به آسانی آنها را بشناسیم. چه زیبا در این ابیات ۱، اشتباه در مصداق بیان شده است: چو جان رادادمجنون وفادار به ناکامی به صحرا از غم یار به گرد نعش او مرغان سراسر کشیدند خیمه وزنگار از پر یکی افتاده بود و بوش می کرد یکی سیررخ نیکوش می کرد یکی گفتا که زخم دارد یکی گفتافراق یار دارد همه از مرگ اونالان و گریان شتابان پوزنان اندر بیابان که ناگه شهسواری سوی نخجیر برون شد از برای صید شبگیر چو چشم آن جوان افتاد ناگاه به چشم مرده ای در آن شب ماه یقینش شد که او مجنون زار است که جان را داده و در انتظار است به سوی شهر قومش مرکبی تاخت برای دفن و کفن او برداخت چو او را شستشو و غسل دادند کفن کردند و در خاکش نهادند چو مجنون یافت جادرتیره خاک بر او آمدند از ایزد پاک ۱۰۱ استاد میرزا علی اکبر حرم قزوینی که ای مجنون چه آوردی به درگاه؟ برآمد از دل مجنون یکی آه نه ای از کرده های خویش آگاه به من گویی چه آوردی به درگاه؟ مرا با جغد شوم هم خانه کردی مکان و منزلت ویرانه کردی به دار الملک هستیم چه دادی؟ چه منت بر من مسکین نهادی؟ به بالینش نکیر و منکر آمد در آن دم دو فرشته حاضر آمد به دستش بود عمود آهنینی بگفت ربّت که و دینت چه دینی بگفتا ربّ من والله لیلی است که جانم از غم عشقش طفیلی است ندا آمد که او را و رهانید به جنت نزد لیلایش نشانید که لیلی خود منم مجنون من اوست سراسر ورد و ذکرش جمله یا هوست چو مجنون جلوه حق را نظر کرد ز دل این ناله مستانه سر کرد تو پنداری که من لیلا پرستم؟ من آن لیلای لیلی را پرستم حقیقت لیلی مجنون توئی تو که بر خود واله و مفتون توئی تو الهی حال مجنونم عطا کن ز عشق لیلیم انگشت نماکن بلا گردان خوبان کن دلم را وجودم را، سرشتم را، گلم را اگر (خرم) در آئی در ره عشق و افتی همچو یوسف در چه عشق غرض ما هم ز مجنون یاد کردیم روانش را ز لیلی شاد کردیم عشق در لغت: به معنای از حد گذشتن محبت، محبت افراطی و بالاتر از محبت است در اصطلاح، عشق همان حالت شور و نشاطی است که عاشق در فضای آن زندگی می کند و به آن دلخوش کرده و به خاطر آن حاضر است از همه چیز بگذرد. محبت؛ یعنی دوست داشتن، در محبت، محبوب در دل می نشیند و این محبت پس از علاقه، یعنی گره خوردن دل، با محبوب است و علاقه پس از هوی، یعنی؛ میل به محبوب است.

### مراتب محبت

در بعضی از کتب ۱، دوست داشتن را به چند مرتبه تقسیم کرده اند یعنی، از حالت ضعیف تا قوی و برای هر مرتبه اش نامی را مشخص نمود هاند به این ترتیب: ۱- هوی (تمایل داشتن) ۲- علاقه (گره خوردن دل با محبوب) ۳- کلف (محبت) ۴- عشق (محبت شدید و افراطی) ۵- شعف (عشقی که به تمام زوایای قلب نفوذ کرده است) ۶- تدله (مرحله ای که عشق، عقل را می رباید) ۷- هیوم (بی قراری، جنون)

## تقسیمات عشق و محبت

گرچه اسامی گوناگونی برای مراتب عشق و محبت گفته اند، ولی معمولاً از میان آنها کلمه عشق دارای کاربرد بیشتری است. عشق به دقت عقلی به صحیح و غیر صحیح (غلط) تقسیم می شود و در این تقسیم هیچ جای تردیدی وجود ندارد چون تقسیم عقلی است. عشق صحیح و غیر صحیح (غلط) از نظر معنا واضح است اما مساله در تشخیص آنهاست. تشخیص عشق صحیح: عشق باید ملاک‌هایی داشته باشد که بتوان آن را عشق صحیح خواند: از جمله نامحدود بودن، ارضاء روح کردن، ابدی بودن، عمیق و کارآمد بودن، شادی و نشاط آور بودن و دوطرفه بودن از آنها است. آنچه ذکر شد حداقل های یک عشق صحیح می باشد عشق صحیح نیز دارای ۱. ر. ک: کتاب ریحان و ریعان و کتاب تفسیر آلوسی. تقسیماتی است و می توان آن را به عشق حقیقی و مجازی تقسیم کرد. عشق حقیقی: عشقی که تمام خصوصیات عشق صحیح را داشته باشد و در هیچ موردی کم و کاستی در آن نباشد و هیچ محدودیتی را نپذیرد، لذا تنها مصداق آن خدای مهربان و بخشنده است. عشق مجازی: عشقی که برخی از خصوصیات عشق صحیح را دارد و این عشق نوعی ورودی و گذرگاه برای عشق حقیقی است و درست به همین خاطر نام مجاز، یعنی. ورودی و گذرگاه بر آن گذاشتیم، برترین عشق مجازی، عشق اهل بیت (علیهم السلام) است و در مراتب بعد والدین صالح، علمای ربانی، همسر و فرزندان شایسته، انسانهای خوب و دوستان خوب قرار می گیرند. عشقهای مجازی هدف نیستند بلکه وسیله ای برای رسیدن انسان به عشق حقیقی، یعنی؛ خدای مهربان هستند. تنها خدای سبحان، عشق صحیح حقیقی است و بس، چون تنها اوست که تمامی ویژگی های گفته شده در ملاکهای عشق صحیح را دارد. تشخیص عشق غیر صحیح (غلط): ملاک‌هایی برای تشخیص عشق غیر صحیح (غلط) وجود دارد؟ از جمله: محدود و خاکی بودن، ملال آور بودن، ارضاء جسم کردن، اکثراً یکطرفه بودن، سطحی و ظاهری بودن، غالباً توجه به مسائل مادی داشتن، کوتاه و موقت بودن از آنها است. البته این عشق غیر صحیح (غلط) نیز دارای تقسیماتی است که به آن نمی پردازیم، مثلاً؛ عشق های خیابانی را می توان از این نوع عشقها دانست.

## عشق صحیح و غلط در متون دینی

عشق صحیح و غلط در متون دینی ما فراوان آمده است: قرآن کریم می فرماید: "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ" ۱ ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت بیشتری دارند. در روایات آمده است >>: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصِيبَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عَشْرِ أَمْ عَلَى يُسْرِ >> ۲ ترجمه: برترین بندگان خدا، کسی است که به عبادت عشق بورزد و آن را به آغوش بکشد و خود را برای آن فارغ سازد، لذا برایش مهم نیست که به راحتی روزها را صبح کند یا به سختی. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «يَقُولُ اللَّهُ إِذْ كَانَ الْعَالِبُ عَلَى الْعَبْدِ الْأَشْتِغَالِ بِي جَعَلَتْ بُغْيَتُهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلَتْ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي عَشَقْنِي وَ عَشَقْتُهُ، فَإِذَا عَشَقْتَنِي وَ عَشَقْتُهُ رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ صَبَّرْتُ ذَلِكَ تَغَالِبًا عَلَيْهِ، لَا يَسِيهُوَ إِذَا سَيَّهَا النَّاسُ» ۳ ترجمه: خداوند می فرماید: هر گاه اشتغال به من، بر جان بنده غالب آید، خواهش و لذت او را در یاد خودم قرار می دهم و چون خواهش و لذتش را در یاد خودم فرار دادم، عاشق من گردد و من نیز عاشق او، و چون عاشق یکدیگر شدیم پرده میان خود و او را بالا می زنم و (مشاهده جلال و جمال خود) را بر جانش مسلط می گردانم، به طوری که وقتی مردم دچار سهو و اشتباه هستند، او دچار اشتباه نمی شود. عشق مجازی در متون دینی و اشعار: همانطور که گفتیم از راه عشق اهل بیت (علیهم السلام) می توان به عشق خدا ۱. بقره: ۱۶۵. ۲. مستدرک الوسائل الشیعه، ح ۱، ص ۱۵۸. ۳. کنز العمال: ۱۸۷۲. رسید، لذا در زیارت جامعه کبیره خطاب به امامان معصوم علیهم السلام می گوئیم >>: إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصِيلُهُ وَ فَرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَاوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي آتْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ تَنَايِكُمْ وَ كَيْفَ أَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ

أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدَّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَانْقَدْنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ < ۱ > ترجمه: اگر ذکر، خیر و خوبی شود شما (اهل بیت علیهم السلام) اول و اصل و فرع و معدن و جایگاه و انتهایش هستید، ای به فدای شما خودم و پدر و مادرم، چگونه توصیف خوبیتان کنم؟ و چگونه آن زیبایی‌ها را شمارش کنم؟ به خاطر شما خدا ما را از ذلت خارج ساخت و غم و اندوه شدید ما را مرتفع ساخت و از مهالک دنیا و آتش جهنم رهانید. حافظ شیرین سخن در عشق اهل بیت (علیهم السلام) گفته: حافظ ازدست مده دولت این کشتی نوح ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت مولوی گفته: جسم خاکی از عشق برافلاک شد کوه دررقص آمد و چالاک شد عشق غیر صحیح (غلط) در متون دینی و اشعار: امام صادق (علیه السلام) می فرماید < ۲ >: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعِشْقِ قَالاً: قُلُوبٌ خَلَّتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ < ۲ > ترجمه: در پاسخ از عشق غلط فرمودند: دل‌هایی که از یاد خدا تهی می گردد و خداوند محبت غیر خود را به آنها می چشاند. مذمت مولوی از عشق غلط: عشق‌هایی که از پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود ۱. ر. ک: مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. ۰۲. امالی صدوق، ص ۶۶۸

### آثار زیانبار عشق‌های غلط در مسأله ازدواج

عشق‌های غلط و غیر صحیح پیامد و زیانهای فراوان و ناگواری را به همراه دارد. از آن جمله: ۱- طبق آمار، بسیاری از عشق‌های غلط چون پایه و بنیان بر هوی و هوس دارند، زودگذر می باشند و به قصد ازدواج انجام نمی گیرند. ۲- در عشق‌های غلط، اگر هم قصد ازدواج مطرح شود با توجه به آنچه در مورد انگیزه‌های مختلف، در درس ارتباط دختر و پسر خواهیم گفت، این ازدواج پایدار و خوب نخواهد بود. ۳- طبق آمار، درصد طلاق در ازدواج‌های خیابانی بالاتر از ازدواج‌های اجباری گزارش شده است. ۴- دوستی قبل از ازدواج با عنوان عشق و محبت‌های غلط، باعث شناخت نمی شود، چون دختر و پسر سعی بر فریب و ظاهر سازی دارند و در فضا و بستری مناسب مانند "جمع خانواده و یا در حضور یک مشاور خوب، ارتباط برقرار نمی کنند بلکه عمدتاً در خلوت و خارج از استانداردهای لازم دیدارهایی را صورت می دهند. ۵- چگونه ممکن است، هر وسیله و ابزاری دارای استاندارد و ضریب اطمینان باشد، اما مسأله ازدواج و یا خواستگاری هیچ ملاک و استاندارد نداشته باشد؟ ۶- اگر ازدواج، نتیجه عشق غلط باشد این ازدواج در اکثر موارد با سوءظن و بدبینی و باجگیری طرفین از یکدیگر و عدم پشتیبانی خانواده‌ها همراه است.

### خلاصه درس در چند نکته

۱- عشق در لغت به معنای محبت افراطی و در اصطلاح، حال و هوایی است که عاشق در آن زندگی می کند و از همه چیز و همه کس بیشتر به معشوق می اندیشد. ۲- مراتب عشق و محبت از هوی آغاز می گردد و به دیوانگی و جنون می انجامد. ۳- عشق به صحیح و غیر صحیح تقسیم می شود و عشق صحیح نیز به حقیقی و مجازی تقسیم می شود. ۴- عشق حقیقی، فقط و فقط خدای سبحان است. ۵- عشق صحیح مجازی به طور ویژه، اهل بیت (علیهم السلام) و در مراتب بعدی خوبان از جمله پدران و مادران خوب، علمای ربانی، همسران و فرزندان خوب، دوستان خوب و... می باشند که همگی محل گذر و تابلوی اشاره به معشوق حقیقی هستند. ۶- عشق صحیح و غیر صحیح هر دو در متون دینی ما آمده است و به عشق صحیح ترغیب و تشویق شده است. ۷- عشق غلط دارای آثار زیانبار فراوانی است که بدترین آن در مسأله ازدواج جلوه گری می کند چرا که اساس و بنیان ویران است و هوی و هوس جای عشق را گرفته است لذا کمتر با موفقیت و رضایت همراه است، اگر نگوئیم؛ هرگز به موفقیت نمی رسد.

### سوالات درس

۱- عشق چیست؟ و محبت کدام است؟ ۲- آیا محبت دارای مراتبی است؟ ۳- آیا عشق و محبت دارای تقسیماتی است؟ ۴- آیا

عشق صحیح و غلط در متون دینی آمده است؟ ۵- عشقهای غلط در ازدواج چه پیامدهایی دارد؟

## برای مطالعه بیشتر

۱- تفاسیر قرآن کریم مانند: نمونه، نور، ترجمه المیزان و... در ذیل آیاتی که در درس مطرح شده و آیه ۲۸ سوره رعد و آیات ۳۴، ۳۳ سوره یوسف. ۲- دختران چه می پرسند؟، محمود اکبری، قم، انتشارات سنابل ۳- تفسیر آلوسی (مراتب محبت) ۴- کتاب ریحان و ریعان ۵- عشق برتر، جواد محدثی ۶- رابطه دوستی و محبت، احمد مطهری

## درس دوم: روابط دختر و پسر

### منظور از روابط دختر و پسر

رابطه ای عمدتاً پنهانی، عاشقانه که از طریق دیدارهای مخفیانه، پیامک، چت کردن، تماس تلفنی،... ایجاد و ادامه می یابد. واکنشی که عمدتاً دختران در این رابطه ها از خود نشان می دهند جدیت، شور و هیجان خاصی است که ناشی از نشناختن موضوعی است که با آن درگیر شده اند، اما بیشتر پسران نه تنها این جدیت، شور و هیجان را ندارند بلکه آن را نوعی بازیگری یا بازی دادن طرف مقابل می دانند و همچنین اهداف پلیدی، چون ارضای غریزه ی جنسی را از دختران نوجوانی که از بی پناهی و نادانی در دام آنها افتاده اند، انتظار دارند. حتی گاهی این ارتباطات با همه ی زشتیهای آشکارا و در حضور جمع می باشد. در هر صورت رابطه ی دختر و پسر علاوه بر گناه بودن، خلاف قانون کشور اسلامی ما نیز می باشد و از ناهنجاریها محسوب می شود.

### اقسام روابط دختر و پسر

روابط را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) روابط صحیح: ضرورت اجتناب ناپذیر یک جامعه پویا به طور قطع، شرکت و همسویی زنان و مردان با یکدیگر است و در این حالت قطعاً ارتباطاتی بین زنان و مردان ایجاد خواهد شد. آنچه می توان روابط صحیح دانست: مانند؛ ارتباط استاد و شاگرد، ارتباط فروشنده و خریدار، ارتباط مأمورین نهادها و سازمانهای گوناگون با منزل و محل کار، که همه ی این ارتباطات از یک وحدت و جامعیتی برخوردار هستند که عبارت از وجود یک نوع پذیرش همگانی است، لذا هیچکس چنین رابطه ای را اگر به طور صحیح انجام گیرد گناه و خلاف قانون نمی داند. ضرورت زندگانی اجتماعی ناچار از پذیرش چنین روابطی می باشد و چون نمی توان در همه ی زمینه ها از همجنس استفاده کرد، لذا چنین رابطه ای با رعایت ضوابط و فواین شرعی و عرفی صحیح است. (۲) روابط غلط: آن دسته از روابطی که هیچ دلیل صحیحی برای انجام آنها وجود ندارد لذا می توان نام غلط بودن را بر آن گذاشت. به برخی از برخوردهای غلط اشاره می کنیم: الف: برخوردهای غیرعادی و ناپخته: متلک گویی، پرسه زدن در خیابان ها، مزاحصت های تلفنی و.. که منشاء آن کمبودهای عاطفی و فرهنگی و نداشتن بنیان مستحکم خانوادگی و وجود اختلالهای روحی و روانی است، این افراد معمولاً به بلوغ فکری و اجتماعی نرسیده اند و نمی دانند که با اینگونه رفتارها، به نتیجه مطلوب نخواهند رسید. ب: برخوردهای خشک و محدود: برخی به گونه ای با نامحرم برخورد می کنند، که گویا دشمن خود را دیده اند و لذا همیشه با بدبینی و نگاهی خشونت آمیز با نامحرم مواجه می شوند. معمولاً منشاء این نوع برخوردها، آموزشهای غلط و یا حوادث و پیشامدهای تلخ گذشته است، البته می توان در مواردی با آموزش یا تذکر این مشکل را حل کرد. ج: برخوردهای عجولانه و هیجانی: افراد زودباور و ساده لوح، با بهاء دادن بیش از حد به قوه خیال به سرعت با دیدن یک چهره او را معشوق خود می پندارند و سریع اظهار علاقه و محبت می کنند. همین افراد چون از واقعیات فاصله دارند

بسیار سریع هم منصرف می شوند و معمولاً نمی توانند به تنهایی برای مسائل مهم زندگی خود، تصمیم بگیرند لذا شایسته است تحت نظر یک مشاور مجرب و امین قرار گیرند و از تصمیمات مهم انفرادی به شدت پرهیز کنند. د: برخوردی با شرم افراطی: این افراد که می توان آنها را دارای نوعی ناتوانی ارتباطی دانست، معنای حیا را با شرم افراطی اشتباه گرفته اند. می توان نقش آموزشهای غیر صحیح را نیز در ایجاد اینگونه رفتارها پذیرفت و برای درمان این پدیده می توان از آموزشهای متخصصان و مشاوران آگاه بهره برد. ه: رابطه ی پنهانی و عاشقانه: آنچه محل بحث ماست همین مورد است، چون غلط بودن روابط و برخوردهای گذشته با مختصر توضیحی روشن شد، لذا نیاز به توضیح زیاد نداشتند، آنچه نیاز به توضیح دارد؟ رابطه ی پنهانی و عاشقانه است، همانطور که در ابتدای درس به آن اشاره شد. یک سؤال: به راستی چه چیزی غیر از تهدید، نادانی، احساس گناه، کمبود محبت و حقارت می تواند، دختر نوجوانی را برای شروع و ادامه ی یک ارتباط نامشروع، تشویق و ترغیب کند؟

### مهمترین انگیزه های پسران برای ارتباط با دختران

پسران برای ارتباط با دختران دارای انگیزه های گوناگونی می باشند، علت‌های اصلی ایجاد چنین انگیزه هایی در قلمروی مباحث این کتاب نمی باشد چرا که گذشته از مسائل فرهنگی کشور و جهان، نفس اماره و شیاطین در ایجاد و ازدیاد بسیاری از انحرافات نقش دارند و تشخیص، تحلیل و راه کارهای کاربردی این مباحث، مجال دیگری می طلبد. تلاش ما در این کتاب رساندن دختران به بلوغ فکری و فرهنگی است، برای آنکه در دام تبهکاران نیفتند، لذا مطالب به صورت فشرده آمده تا برای به یاد سپاری راحت باشد. آنچه به ترتیب می گوئیم سه انگیزه مهم برخی پسران امروزی برای ارتباط با دختران است: ۱) هوی و هوس: که می توان آن را تنوع طلبی جنسی نیز دانست و منشاء آن پیروی از شیطان است. ۲) احساس غرور و قدرت اجتماعی: برخی از پسران این ارتباط را به طور مجازی علامت مردانگی و بزرگی می دانند لذا به دنبال مطرح ساختن خود در میان همسالانشان از طریق این نوع ارتباطها می باشند. ۳) ازدواج: آنچه آمارها نشان می دهد وجود درصد بسیار ناچیزی در انگیزه پسران به این مورد است و معمولاً پسران ازدواج را دستاویز ارتباط قرار می دهند، چون اگر پسری قصد ازدواج داشته باشد، از طریق این نوع ارتباط برای ازدواج اقدام نخواهد کرد، چون خواستگاری از دختر مورد علاقه، بسیار زیباتر و مطمئن تر از ارتباط نامشروع با اوست و قطعاً خواستگاری خیابانی و خارج از ملاکهای شرعی و عرفی، هرگز راه خوبی برای تشکیل یک زندگی زیبا نمی باشد. البته اگر بر مبنای همین ارتباط (بدون ملاکهای لازم) ازدواج صورت گیرد، پایه این ازدواج سست و بی بنیاد خواهد بود و اگر ازدواجی صورت نگیرد دختر و پسری که چنین رابطه ای را تجربه کرده اند هیچکدام گزینه خوبی برای ازدواج با دیگران نیز نمی باشند. حتی پسران منحرف نیز این مساله را به خوبی متوجه شده‌اند و لذا معمولاً از دختران پاکدامن و شایسته خواستگاری می کنند.

### مهمترین انگیزه های دختران برای ارتباط با پسران

آنچه به ترتیب می آید سه انگیزه مهم برخی دختران امروزی برای ارتباط با پسران است: ۱) انتظار ازدواج: غالباً امید ازدواج و همسری شایسته از رؤیاهای یک دختر نوجوان می باشد. خصوصاً با توجه به کمی سن و خوش بینی که به خود، جامعه و پیرامون خود دارد. حتی بسیار اتفاق افتاده که دختران نوجوان با وجود خلاف بودن رابطه و گناهان آشکار، امید به نیکبختی و خوشبختی بسته اند، غافل از آنکه همانطور که عنوان شد، انگیزه پسران در این مورد بسیار کم است. مشکل دیگر، اشتباه در فهم و درک ضرب المثل هایی است که در دهان مردم افتاده و گاه حتی در رسانه ها هم منعکس می شود در حالی که اشتباه در برداشت است مثال: "سن دختر که رسید به بیست، باید به حالش گریست" منظور این است که همه مسئولان دختران از والدین، معلمان، دولتمردان، قانونگذاران و... همه و همه باید تلاش کنند سن ازدواج دختران بالا نرود، نه اینکه برخی از دختران به بهانه بالا رفتن

سن و با دست آویز قرار دادن این ضرب المثله‌ها به دنبال ازدواج باشند، هیچ دختر عاقلی نباید اینگونه ببیند و گرنه خود را به تباهی کشانده است، البته مساله خواستگاری دختران از پسران مساله دیگری است که نیازمند بررسی بیشتر است. (۲) عقده های روانی: کمبود محبت به دختران و ضعف سیستم آموزشی و فرهنگی خانواده ها، دختران را به سوی عقده گشایی می کشاند و چون مشکلات دوران نوجوانی به عقده هایی تبدیل شده است، لذا دختران از هر کسی برای باز کردن عقده هایشان کمک و یاری می طلبند، غافل از آنکه از چاله در آمدن و افتادن در چاه است، لذا کمبود محبت، نه تنها جبران نمی شود بلکه مشکلاتی فراوان آغاز می گردد. البته باید فکری برای آموزش والدین در این زمینه ها کرد، که دخترانشان در خانه از نظر مهر و محبت ارضاء گردند نه در جاهای دیگر. (۳) احساسات و آرمان گرایی: گروهی از دختران با قرار گرفتن در معرض دوستان ناباب و تلقین این مطلب که ارتباط با نامحرم نوعی افتخار و کلاس است بر خود لازم می دانند که دست به چنین تجربه اشتباهی بزنند و خود را در کام بوالهوسی اسیر سازند. بیشترین عامل پس از خانوادگی پریشان و ناهماهنگ، دوستان نا اهل و منحرف هستند، که باید به شدت در دوران نوجوانی از آنان پرهیز کرد. البته عوامل و انگیزه های دیگری هم وجود دارد که به خاطر رعایت اختصار، مطرح نشد. اما دختران به راحتی می توانند با مقایسه سه انگیزه متفاوت پسران و دختران راه خود را بیابند.

### پیامدها و تبعات زیان بار ارتباط نامشروع دختر و پسر

پیامدها و زیانهای بسیاری که عقل، شرع و تجربه آنها را برای هیچکس مخصوصا دختران نوجوان صحیحی نمی داند در ارتباط نامشروع دختر و پسر وجود دارد، که به چند مورد از این پیامدها اشاره می شود: (۱) پیامد اجتماعی: قطعا وجود و جریان چنین ارتباطاتی در سطح جامعه باعث سوءظن و بدبینی خواهد شد که عامل اصلی فروپاشی خانواده ها و طلاق می باشد. تصور کنید دختری که با اینگونه ارتباطها به خانه شوهر رفته در خانه تصور کند اگر همسرش با زنی بی مبالا در خیابان، اداره و.. مواجه شود چه می کند؟ در حالی که سابقه بدی از همسرش در ذهن دارد و این فکر او را به یاد گذشته می اندازد. البته اگر ملاکهای صحیحی مانند: رضایت والدین، موافقت مشاور، تحقیق، بررسی و... حاصل شود جایی برای نگرانی نیست. لذا می توان گفت: ملاکهای دینی و عرفی به نفع دختران است نه زنجیر پایشان. (۲) پیامد روانی، آموزشی: کاپلان و سادوک که صاحبان کتب مرجع در روانشناسی می باشند حدود نود بیماری روان تنی (سایکوسوماتیک) ۱ را برای روابط آزاد و بی حد و حصر زن و مرد فهرست کرده اند. از جمله آن بیماریهای روانی: هیجان کاذب، خیال ازدواج، خیال خوشبختی، نا آرامی، افت تحصیلی، عدم تمرکز فکر و عدم آرامش روح و روان در تحصیل و زندگی است. همانطور که می بینید. در بین عوامل از بین برنده آرامش و تمرکز، سهم ارتباط نامشروع بسیار بالا می باشد. (۳) پیامد اخلاقی و تربیتی: اخلاق و تربیت با وجود روابطی که از نظر شرعی، ملی و عقلی غلط باشد به بیراهه و انحراف خواهد رفت و در بستر چنین جامعه ای رذائل اخلاقی جایگزین فضائل اخلاقی می شوند و به فرمایش ۴ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جامعه دچار درد بی درمان می گردد، به طوری که از راههای عادی و معمولی قابل حل نمی باشد. (۴) پیامد اقتصادی، سیاسی: هزینه های چند میلیارد دلاری برای منحرف کردن و تخریب فرهنگ ایران اسلامی از سوی دشمنان بزرگترین خطر اقتصادی و سیاسی است. چنانچه اسپانیا (اندلس) را با فساد و فحشاء به کشوری ضد دینی تبدیل کردند و کشور مسلمان ترکیه را به کشوری لائیک و ضد دین بدل ساختند. ۱. تأثیر شرایط روانی بر جسم (۲). psychosomatic. مستدرک الوسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۴. به قول جلال آل احمد: ای غنچه خوابیده چو نرگس، نگران خیز کاشانه ما رفت به تاراج غمان خیز باید بدانیم: موفقیت کفار و دشمنان برای تسلط بر جان، مال و ناموس مسلمانان با ارتباطات نامشروع و گسترش فساد و فحشاء تسریع می گردد، لذا همگان برای جلوگیری از این فاجعه وظیفه دارند. (ه) رکود و درجا زدن در مراتب انسانی: انسان دارای سلسله نیازهایی است که این سلسله نیازها دارای مراتب است و چون انسان به همه این نیازها احتیاج دارد، لذا بدون توجه به



قاعده و قانون آنها، از مراتب بالاتر آنها، باز خواهد ماند و خودش مانع رشد و کمال خودش می شود. این هرم ۱ نیازهای انسان را نشان می دهد، توجه کنید: ۱. زمینه روانشناسی، ج ۱، ص ۵۶۶ غرائز جنسی در ردیف پائین ترین نیازهای انسان قرار گرفته است و می تواند عامل ناکامی انسان در رسیدن به مراتب بالاتر نیازها گردد و درست به همین دلیل دین اسلام، تشویق به ازدواج کرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي" ۱ ترجمه: ازدواج، سنت من است، هر کس از سنت من رویگردان شود از من نیست. ۲) پیامدهای اخروی: با اعتقادی که ما مسلمانان به عالم آخرت و صحت فرمایشات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) داریم باید از رهنمودهای آنان سرمشق بگیریم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "إِيَّاكَ وَالْخُلُوةَ النِّسَاءَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَلَا رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا دَخَلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَهُمَا وَلَا يَزْحَمُ رَجُلٌ خَيْرًا مِمَّا تَطْفَأُ بِطَيْبٍ وَ حَمَاءٌ خَيْرٌ لَهٗ مَنْ أَنْ يَزْحَمَ مِنْكَبُهُ إِمْرَأَةٌ لَا تَحُلُّ لَهُ" ۲ ترجمه: پرهیزید از خلوت با زنان نامحرم، سوگند به آنکه جانم به دست اوست، هرگاه زن و مردی خلوت کنند، شیطان میان آنها خواهد بود و اگر یکی از شما با خوکی آلوده با کثافات برخورد کند بهتر از این است که با نامحرمی شانه به شانه شود. ۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۰۲۲۰.. ۲. راه النساء، ص ۱۱۷. نتیجه گیری: امید است، دختران با مطالعه همین مقدار مختصر و تفکر بر روی آنها دیدگاه تازه ای به این ارتباطات پیدا کرده باشند و کسانی که به هر دلیل گرفتار دام شیطان شده اند به مدد الهی و توکل بر خدای یگانه مهربان با عزم راسخ توبه کنند، چون خداوند بسیار مهربان است، قطعاً توبه آنها را می پذیرد. به این بشارت قرآنی توجه کنید: "قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ" ۱ ترجمه: بگو (ای پیامبر): ای بندگان من که بر خویش ستم کرده اید، از رحمت خدا مأیوس نشوید، زیرا خدا همه گناهان را می آمرزد، اوست آمرزنده و مهربان.

### راه صحیح برخورد با نامحرم

پیمودن راه صحیح در مورد ارتباط با نامحرم با توجه به تبعات و آثار زیان بار آن بسیار ضروری است، لذا به دختران توصیه می شود: ۱- از محیط گناه دوری گزینند. ۲- از جلوه گری پرهیزند. ۳- در مقابل نامحرم حیا داشته باشند. ۴- از مراکز اختلاط پرهیز کنند. ۵- ارتباط با نامحرم به ضرورت باشد. خلاصه درس در چند نکته ۱- منظور از روابط دختر و پسر، معمولاً رابطه ای پنهانی و عاشقانه است که به وسیله پیامک، چت کردن، تماس تلفنی و... برقرار و ادامه می یابد. ۱. زمر: ۵۳-۲- روابط دختر و پسر به دو دسته صحیحی و غلط تقسیم می شود و موضوع درس یکی از شاخه های این ارتباط غلط است. ۳- مهمترین انگیزه های پسران برای ارتباط با دختران به ترتیب: تنوع طلبی، احساس غرور، قدرت اجتماعی و ازدواج است و مهمترین انگیزه های دختران برای ارتباط با پسران به ترتیب: انتظار ازدواج، کمبود محبت، عقده های روانی، احساسات و آرمان گرایی است. به این ترتیب بالا-ترین انگیزه دختران پایین ترین انگیزه پسران است. ۴- پیامدها و آثار زیانباری برای ارتباط دختر و پسر وجود دارد: که به طور کلی: پیامدهای اجتماعی، روانی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، اخروی، بیماریهای جسمی، رکود و درجاردن در مراتب انسانی از آنها است. ۵- در ارتباط صحیح با نامحرم نیز، باید معیارهایی لحاظ شود، که دختران باید به آنها توجه ویژه کنند.

### سوالات درس

۱- منظور از روابط دختر و پسر چیست؟ ۲- اقسام روابط دختر و پسر در جامعه چند دسته است؟ ۳- مهم ترین انگیزه های پسران برای ارتباط با دختران چیست؟ ۴- مهم ترین انگیزه های دختران برای ارتباط با پسران چیست؟ ۵- پیامدها و آثار زیان بار ارتباط با نامحرم کدام است؟ ۶- راه صحیح در برخورد با نامحرم چیست؟

## برای مطالعه بیشتر

۱- روابط دختر و پسر، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبب اکبر. ۲- روابط دختر و پسر، جمعی از پژوهشگران زیر نظر دکتر اصفهانی، دو جلدی، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی. ۳- روابط دختر و پسر در ایران، علی اصغر احمدی، تهران، انتشارات اولیاء و مربیان. ۴- برای ریحانه، محمود اکبری، قم، انتشارات گلستان ادب. ۵- شکار جوانان، اسدالله محمدی نیا، سه جلد قم، انتشارات سبب اکبر. ۶- دختران، درسها و هشدارها، محمود اکبری، قم، انتشارات گلستان ادب. ۷- مقاله "روابط دختر و پسر و راه حل قرآنی آن" که نوشته، مولف می باشد و در سایت قرآنی و تربیتی- علمی و آموزشی، به نام سلسله موی دوست در آدرس [www.ralavat.ir](http://www.ralavat.ir) موجود است.

## درس سوم: جایگاه واقعی زن

### چند دیدگاه کلی نسبت به زن

در مورد زن دیدگاههای متفاوتی در تاریخ بشریت تا به امروز وجود داشته است، در مورد مقام و شخصیت زن در یک تقسیم بندی سه دیدگاه کلی وجود دارد: ۱- نگاهی افراطی: فراتر از آنچه زن برای آن آفریده شده است، بی توجهی به خصوصیات و تفاوتهای او با مردان از ویژگیهای این دیدگاه است. ۲- نگاهی تفریطی: نگاهی که زن را از مردها پائین تر و ضعیف تر و حتی گاهی از حدود انسانیت سقوط داده و به شخصیت والای زن جسارت و توهین می کند. ۳- نگاهی معتدل و حکیمانه که با توجه به شخصیت و توانایی زن تعریف شده است.

### نگاه افراطی به زن (فمنیسم)

فمنیسم؟ طرز فکری است که در آن زن و مرد را در همه حقوق، مشاغل و خصوصیتها، برابر و مساوی هم می داند و لذا در آن توجهی به ویژگیهای عاطفی و روانی زن نشده است و تنها مساله مهم آن همسانی زنان با مردان است. زنان را با حقوق ناچیز به شرکت، کارخانه و کارگاه کشانده اند غافل از آنکه زن باید نقش همسری و مادری داشته باشد و این دو ویژگی نیاز به بالاترین مهارتها و تخصصها دارد. دین مخالف شرکت زنان در اجتماع نمی باشد ولی خالی شدن جامعه از مادران مدیر، مدبر و همسران خوب، دلسوز جامعه را به دردی بی درمان مبتلا می سازد. چرا! زن و مرد هر کدام برای کاری خلق شده اند و خروج از خصوصیات و ویژگیهایشان مشکلات فراوانی را ایجاد می کند. گرچه فمنیسم دارای شاخه های مختلفی است ولی وجه مشترک همه شاخه های آن بی توجهی به ادیان و محدودیتهای خاصی است که قوانین الهی برای پاکی و طهارت جامعه و استحکام خانواده در نظر گرفته اند، لذا مهمترین پیامد فمنیسم روابط آزاد و نامشروع زن و مرد است، که نتایج تاسف آوری را داشته و دارد. به برخی از نتایج این دیدگاه اشاره می کنیم: ۱) سقط جنین ۲) موالید نامشروع ۳) خشونت و تجاوز به زنان ۴) توجه ابزاری و وسیله ای به زن ۵) افزایش خانواده های تک والدینی ۶) گسترش بیماریهای عفونی و ایدز ۷) فروپاشی خانواده ها

### نگاه تفریطی به زن

پیش از اسلام در عربستان اگر زنی، دختر به دنیا می آورد همسرش آن دختر را زنده به گور می کرد، قرآن کریم با تاسف از این ماجرا یاد می کند و عاملان آن را در روز قیامت مورد بازخواست و کیفر می داند. "وَ إِذَا بَشَرٌ أَحَدَهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًا وَ هُوَ كَظَلِيمٍ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ" (ترجمه: هر گاه به یکی از

آنها (افراد جاهل) بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد و به ۱. نحل: ۵۸، ۵۹. خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می گردد (و نمی داند) آیا او (دختر نوزاد) را با قبول ننگ، نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند <>! وَإِذَا الْمَوْؤُةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ >> ۱ ترجمه: و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود، به کدامین گناه کشته شدند؟! متأسفانه در برخی از ادیان تحریف شده نیز، نظرات بسیار زشت و ناپسندی نسبت به زن وجود دارد به مواردی توجه کنید: ویل دورانت می نویسد: در مجامع مسیحی ایتالیا و اسپانیا پس از مناظرات زیاد تنها حضرت مریم (علیها السلام) را دارای روح جاوید دانستند و بقیه زنهارا فاقد روح انسانی دانستند، آنها گفتند: زنان روح جاوید ندارند و همچنین زن را برزخ بین انسان و حیوان دانستند ۲۰ در دین تحریف شده یهود، دختران برای پدران مایه ننگ و عار بودند و زنی که دختر می زائید از ۱۵ تا ۷۰ روز نجس! محسوب می شد و زن جزئی از ارث بود. ۳. قطعا انسان با مشاهده همین تبعیض های ظالمانه یقین به تحریف شدن این ادیان می کند، چرا که هرگز دینی که از جانب خداوند برای مردم تشریح می شود نمی تواند دارای چنین تبعیض های ظالمانه باشد. در اسلام که دین مرفعی و تحریف ناپذیر است هیچکدام از این موارد دیده نمی شود و لذا اسلام در بسیاری از نظرات و احکام درست مخالف با این ادیان تحریف شده می باشد. ۱. تکویر: ۸، ۹. ۴. تاریخ تمدن، ص ۵۴. همان، ص ۵۴. نگاهی به فرهنگ های دنیا: در برخی از فرهنگهای کشورهای دنیا نیز که منشاء آن جهل و نادانی بشریت است نسبت به زن نظرات بسیار زشت و ناپسندی وجود دارد. تاریخ نویسان و خصوصا ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، مطالب زیادی را در این مورد نقل کرده اند، که به برخی اشاره می کنیم: ۱) روسیه: در روسیه پدری که دخترش را شوهر می داد آهسته با تازیانه دختر را می زد و سپس تازیانه را به شوهرش می داد که معلوم شود افسار دختر دست کیست. ۲) آمریکا: هندیان در آمریکا با زنان با خشونت رفتار می کردند و آنان را به پلیدترین کارها وامی داشتند و غالبا آن ها را به نام سگان خود صدا می زدند. ۳) آفریقا: اهمیت زن و دختر در آفریقا از یک تخم مرغ، کمتر بود اگر یک سبد تخم مرغ از دست دختری می افتاد و می شکست، محکوم به مرگ می شد و حتی گاهی در مجالس از گوشت دختران می خوردند. ۴) چین: مردم بنا بر وظیفه خرافی آن سرزمین، خود را موظف می دیدند که اگر زنی قبل از سی و شش سالگی آبستن شود، باید شکم او را به سختی فشار دهند تا از این طریق جنین سقط شده و از بین برود. ه) هند: وقتی مردی از دنیا می رفت، برای آنکه روحش تنها نباشد، زنش را با او، زنده زنده می سوزانیدند و این سوختن را نوعی فداکاری و عشق زن هندی به همسرش تلقی می کردند و می گفتند: چون زن هندو کسی در عاشقی مردانه نیست سوختن بر شمع خفته کار هر پروانه نیست برخی ضرب المثلهای کشورهای مختلف: انگلیسها: مردی که زن می گیرد مثل کسی است که میمون می پروراند. ۱. زن و آزادی، ص ۲۰۸. انگلیسها: زنان دام شیطانند. آلمانها: زن شکل فرشته و قلب افعی و شعور خر دارد. آلمانها: کاری را که شیطان از عهده اش بر نمی آید زن انجامش می دهد. غریبها: زن باید از این که زن است شرمسار باشد. غریبها: زن همان موجودی است که گیسوان بلند دارد و عقل کوتاه. غریبها: زن آخرین موجود وحشی است که مرد او را اهلی کرده است. غریبها: زن، برزخ میان انسان و حیوان است. ایتالیاها: برای زن و الاغ و گردو دست قوی لازم است. ایرلندها: جایی که زن است حرف است و جایی که کلاغ است قارقار. یونانها: سه چیز شرند؟ زن، آتش، طوفان. نروزیها: شیطان به گرد زن هم نمی رسد. رومانها: حتی بهترین زنان هم دنده ای از شیطان دارند. حقوق زن در اروپا و آمریکا: دول متحد آمریکا در سال ۱۹۲۰ قانون تساوی زن و مرد را در حقوق سیاسی تصویب کردند و فرانسه در قرن ۲۰ تسلیم این امر شد و در ایتالیا در سالی ۱۹۱۹ زن از شمار محجورین خارج گردید.

### زن در دیدگاه معتدلی و حکیمانه (اسلام)

اگر به زن نگاهی متناسب با ویژگیها و خصوصیاتش داشته باشیم، قطعاً نه به افراط فمینیسم گرفتار می شویم و نه به تفریط ادیان

تحریف شده و فرهنگ های مختلف کشورها دچار می شویم. در اسلام به زنان و دختران توجه ویژه شده است به گوشه ای از آنها توجه کنید: الف) قرآن کریم: (۱) تساوی زنان و مردان در فضائل: " إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا " ۱ ترجمه: به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (۲) وحدت در خلقت زن و مرد: < (يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ >> ۲ ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است! ۱ احزاب؛ ۳۵. ۲. حجرات: ۱۳. ۳) وحدت پاداش زن، مرد (>: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ >) ۱ ترجمه: هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد. (۴) وحی به زنان: <: وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ قَالِقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ > ۲ ترجمه: ما به مادر موسی الهام کردیم که: او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم! "ه) سخن گفتن فرشتگان با زنان <: إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ > ۳ ترجمه: (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: "ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای (وجود با عظمتی) از طرف خودش بشارت می دهد که نامش " مسیحی، عیسی پسر مریم " است در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود و از مقربان (الهی) است. ۱. نحل: ۹۷. ۲. فصص: ۷. ۳. ال عمران: ۴۵. ۶) الگو بودن برخی از زنان <: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرِعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَانِتِينَ > ۱ ترجمه: و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: " پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش " ۱! و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! ب) ارزش دختران، زنان در روایات معصومین (علیهم السلام): پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: <: خَيْرُ أَوْلَادِكُمُ الْبَنَاتُ > ۲ ترجمه: بهترین فرزندان شما دخترانتان هستند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: <: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي > ۳ ترجمه: بهترین شما، بهترین برای خانواده اش است و من بهترین شما برای خانواده ام هستم. ۱. تحریم: ۱۱، ۱۲. ۲. مکارم الاحلاق، ص ۲۱۹. ۳. نهج الفصاحه، حدیث: ۱۵۲۰. نکته مهم: با توجه به آیات و روایات که به برخی از آنها اشاره شد اسلام زیباترین و برترین دیدگاه را نسبت به زن دارد و اگر از نصوص یا روایاتی توهم نقص برای زنان شود، بیان خصوصیتی ویژه است که باید با توجه به ادبیات عرب و ادبیات عصر صدور روایت و اصول حاکم در قرآن و روایات بررسی گردد، لذا نسبت دادن ظلم و تعدی به حقوق زنان در اسلام خود نوعی ظلم و تعدی است گذشته از آنکه نسبت دروغ دادن به خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) منجر به عذاب دردناک خواهد شد. چون در این دروس می خواهیم اختصار

رعایت شود به سراغ مصادیق این اشتباهات نمی‌رویم اما در فسمت مطالعه بیشتر کتابهایی را معرفی می‌کنیم که علاقمندان می‌توانند به آنها مراجعه کنند.

### خلاصه درس در چند نکته

۱- در یک تقسیم سه دیدگاه کلی نسبت به زن وجود دارد. ۲- نتیجه نگاه افراطی به زن در فمینیسم آسیب به شخصیت زن، طلاق، خشونت به زنان، گسترش بیماریهای عفونی و ایدز است. ۳- نگاه تفریطی در ادیان تحریف شده از جمله مسیحیت و یهودیت در مورد زنان بسیار زشت و ناپسند است و عقل و فطرت هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد. ۴- ضرب المثلهای و دیدگاههای فرهنگهای برخی از کشورها ریشه در جهلی و نادانی آنان به مقام والای زن دارد. ۵- اسلام تنها دیدگاه معتدل و حکیمانه را نسبت به زن دارد، لذا قرآن و روایات ارزش والایی را برای زنان قائل شده‌اند و در موارد بسیاری از آنان تعریف و تمجید کرده‌اند. ۶- شبهاتی که در برخی از روایات و نصوص دینی وجود دارد باید بر طبق عصر صدور و ادبیات عرب و اصول کلی قرآن و روایات بررسی شود و نسبت ظلم و تعدی به زن در اسلام، ظلم و تعدی بزرگ است.

### سؤالات درس

۱- چند دیدگاه به طور کلی نسبت به زن وجود دارد؟ ۲- نگاه افراطی به زن در فمینیسم چیست؟ ۳- نگاه تفریطی به زن در برخی از ادیان تحریف شده چگونه است؟ ۴- فرهنگ‌های برخی از کشورهای جهان نسبت به زن چه می‌گویند؟ ۵- نگاه معتدل و منطقی و حکیمانه به زن، چه دیدگاهی است؟

### برای مطالعه بیشتر

۱- زن در آینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، قم، انتشارات اسراء. ۲- زن مظلوم همیشه تاریخ، محمدرضا نکونام، چهار جلدی، قم، انتشارات ظهور شفق. ۳- کتابهایی با عنوان حقوق و جایگاه زن در اسلام. ۴- دفاع از حقوق زن، محمد حکیمی. ۵- نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا. ۶- برهنگی زنان، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر. ۷- بهشت جوانان، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر. ۸- بانوان نمونه، مهدی شمس‌الدینی، قم، انتشارات دارالفکر. تاریخ تمدن، ویل دورانت.

### درس چهارم: موسیقی

#### تعریف موسیقی

موسیقی در لغت از کلمه یونانی "Moosika" گرفته شده است که در حوزه مفاهیم دینی و زبان عربی معادل کلمه "غنا" می‌باشد. اما در اصطلاح و عرف: ترکیبی از صدا و آواز با نوعی تناسب به هدف لذت، خیال‌آفرینی، ایجاد هیجان و تحریک می‌باشد. پس هر صدایی نمی‌تواند، موسیقی باشد. موسیقی به دو نوع ابزاری و آوایی تقسیم می‌شود: موسیقی آوایی: آنچه حنجره باعث آن می‌شود و در گلو چرخانده (چهچهه) می‌شود. موسیقی ابزاری: توسط ابزار موسیقی ارگ، سنتور، تار و... نواخته می‌شود. اما از منظر مراجع دینی "موسیقی" و "غنا" از یکدیگر متفاوت است: غنا: خوانندگی مطرب و ملهی متناسب با مجالس عیش و نوش است. موسیقی: نوازندگی با همان اوصاف است و هر دو (غنا و موسیقی) حرام است. ۱ غنا، یعنی؛ خوانندگی و موسیقی، یعنی؟

نوازندگی و هر دو (غنا و موسیقی) اگر مطرب و محرک باشند، حرام است. ۱۴. رهبر معظم آیت الله خامنه‌ای، اجوبه استفتائات. ۲. آبت الله مظاهری. نکته مهم، در تشخیص مطرب و لهوی بودن خوانندگی و موسیقی است، اتفاق همه مراجع دینی بر این است که مرجع تشخیص مطرب و لهوی بودن خوانندگی و موسیقی عرف است یعنی عموم مردم مسلمان باید تشخیص دهند که فلاّن موسیقی لهوی و حرام است یا خیر، لذا اثبات یا نفی آن از وظایف مراجع دینی و شخص مکلف نمی باشد.

### تاریخچه ورود موسیقی به ایران

غنا و موسیقی در ایران سابقه ای طولانی دارد، بهرام گور از هندوستان دوازده هزار رامشگر و خواننده به ایران آورد و دستور داد، که مردم نصف روز را کار کنند و نصف روز به عیش و عشرت پردازند و موسیقی از ایران به اعراب منتقل شد. ۱. لذا با شواهد و مدارک تاریخی می توان تخمین زد، غنا و موسیقی در ایران سابقه ای طولانی دارد. عربها قبل از ارتباط با ایرانیان با موسیقی آشنا نبودند، اما پس ارتباط با ایرانیان لهو و غنا به شدت در میانشان گسترش یافت و همین اتفاق باعث شد که امامان معصوم (علیهم السلام) در برابر این قتل عام فرهنگی به شدت موضعگیری کنند، در قسمت روایات به برخی از آنها اشاره می کنیم.

### نظریه دانشمندان بزرگ دنیا در مورد موسیقی

فارابی، فیلسوف و موسیقی شناس بزرگ، موسیقی را به سه نوع تقسیم کرده است. ۱- موسیقی نشاط انگیز: هنگام استراحت و خستگی. ۲- موسیقی احساس انگیز: برای بیدار کردن عواطف و احساسات. ۳- موسیقی خیال انگیز: برای تحریک قوه خیال. ۱۲. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۳۶۳. ۲. حقیقت موسیقی غنایی، به نقل از اندیشه های علمی فارابی درباره موسیقی، مهدی برکشلی، ص ۲۰۵. البته بیان و ذکر ویژگیهای موسیقی نمی تواند دلیل بر مشروعیت آن باشد و مشروعیت و عدم مشروعیت را باید در جایی دیگر جست؟ اما آشنایی با کلمات دانشمندان به انسان کمک می کند تا با چشم باز به پیرامون نگاه کند و تصمیم بگیرد. - ویکتور هوگو: علت این که ما از موسیقی خوشمان می آید این است که در عالم خیالها و رویاها فرو می رویم. ۱. هگل فیلسوف آلمانی: ذکر و عبادت مسلمانان در معابد بی آرایش فکر می آورد و دعای مسیحیان در کلیسا، با عربده ناقوس و نقش و نگار در و دیوار تشویش خاطر و انصراف ناظر ۳۰ کانت فیلسوف آلمانی: موسیقی اگر از همه هنرها هم مطبوعتر باشد ولی چون چیزی به بشر نمی آموزد از تمام هنرها پست تر است. ۳. روانشناسان می گویند: موسیقی آثار مرموزی را در مغز برجای می گذارد و آن آغاز یک توجه غیرطبیعی است که باعث ضعف اراده و قوه شنوایی می شود و گویا شنونده موسیقی، تمام قوای خود را در گوش متمرکز کرده و هیچ یک از اعضای او، در آن حال با اراده او حرکت نمی کند، خلاصه یک رقص ضعیف بدون اراده، انجام می شود. ۴. افلاطون: وقتی ریتم موسیقی تغییر می کند، اساس قوانین جامعه نیز با آن متحول می شود. علامه جعفری: موسیقی وصال نیست بلکه خیال وصال را در انسان تحریک می کند. ماسورا اموتو: ماسورا اموتو، فیزیکدانی ژاپنی است که در فیزیک کوانتومی ۱. موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۳۰. ۴. تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان، ص ۱۳۴. ۳. همان، ص ۱۳۵. ۴. مناظره دکتر و پیر: ص ۴۴۷. ۵. مبانی فقهی و روانی موسیقی، ص ۲۶. (قوانین انرژی در سطح ذرات بسیار ریز هسته) دستاوردهای فوق العاده ای درباره تأثیر اصوات و موسیقی بر روی آب داشته است، او در این کشفیات دری تازه بر علوم بشری گشوده است و پیوندی عمیق بین فیزیک و متافیزیک برقرار ساخته است. اموتو اثبات کرده است ۱ اصوات و اذکار و موسیقیها بر روی ساختار مولکولی آب اثر می گذارند و شکل آن را زیبا یا زشت می کند البته او نیت و کلمات خوب و بد را هم در ساختار مولکولی مؤثر می داند اما فعلا چون بحث از موسیقی است به آنها نمی پردازیم. از آنجا که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد بدن انسان را آب تشکیل می دهد لذا گوش سپردن به موسیقی، اذکار و اصوات ساختار بدن را از نظر فیزیکی تغییر داده و آن را به سوی شادابی، نشاط و یا افسردگی، پریشانی

می‌کشاند. به عکسهایی که اموتو از حالت و شکل مولکولی آب در شرائط گوناگون تهیه کرده است، دقت کنید: آب رودخانه فوجی وارا دم بعد از دعا کردن <http://www.masaru-emoto.net> همان آب، قبل از دعا کردن تاثیر موسیقی سنتی کاواشی زاپن تاثیر موسیقی هوی متال نتیجه گیری: همانطور که می‌بینید، موسیقی هوی متال در مولکول آب، اضطراب و پریشانی ایجاد می‌کند ولی موسیقی سنتی کاواشی ژاپن که آن را از روی فطرت سالم می‌نوازند شکل مولکولی آب را زیبا، منظم و به شکل گُل تبدیل می‌کند. همچنین مولکول آب با دعا خواندن به شکلی زیبا و جذاب می‌رسد، در حالی که قبل از دعا، به هم ریختگی و آشفتگی دارد. و از آنجا که بیش از نیمی از بدن ما را آب تشکیل می‌دهد این تأثیرات به بدن و وجود ما ارتباط پیدا می‌کند. درست به همین دلیل، دین، انسان را مسئول گوش، چشم و سایر اعضای بدنش می‌داند و دستوراتی چون، پرهیز از گوش سپردن به موسیقی حرام و تشویق به دعا و نیایش از اینجا سرچشمه می‌گیرد.

### تبعات و بیماری‌های جسمی و روانی موسیقی حرام

برای اطلاع خوانندگان به برخی از بیماری‌های جسمی و روانی که در کتب پزشکی آمده، اشاره می‌کنیم: \* مرض سیکلوتیمی cyclothymie یعنی: مشکل روانی خنده و گریه بی‌مورد. \* مرض مانی "manie" یعنی: نوعی جنون دارای مراتب. \* مرض پارانویا paranoia یعنی: احساس خود بزرگ بینی و غرور کاذب و تقاضاهای بی‌مورد. \* عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک، که نتیجه آن: اختلالات رفتاری، اضطراب، عصبانیت، سستی، افسردگی، صرع، تحریکات قلبی، طپش قلب، آئزین صدری، انقباضات عروقی، اسپاسم لوله گوارش، آسم تنفسی، و... می‌باشد. \* کوتاهی عمر: برخی از موسیقی دانان بزرگ! دنیا بسیار کم عمر کرده اند ۱: ۱- مالیران، استاد معروف موسیقی در حال خواندن در سن ۲۷ سالگی سکنه کرد. ۲- پراگولوزی، نوازنده ایتالیایی در سن ۲۶ سالگی در گذشت. ۳- بلینی، نوازنده ایتالیایی در سن ۳۴ سالگی در گذشت. ۴- موریس زوبر، نوازنده فرانسوی در ۴۰ سالگی در گذشت. ۵- شوسون، نوازنده فرانسوی در سن ۳۰ سالگی در گذشت. ک شوبرت، نوازنده اتریشی در سن ۳۱ سالگی در گذشت. ۷- موزارت، نوازنده اتریشی در سن ۳۰ سالگی در گذشت.

### موسیقی حرام از دیدگاه دین

شکی نیست که موسیقی دانشی عظیم و پیچیده ای است و مخالفت با علم و دانش، شایسته عالمان و دانشمندان نمی‌باشد، لذا مراجع دینی نشر و تالیف در موضوع علم موسیقی را از نظر علم فقه بدون اشکال می‌دانند. ۲ پرسش: حکم انتشار و تالیف کتاب، در زمینه مسائل آموزشی و تحقیقی موسیقی چیست؟ پاسخ همه مراجع تقلید: اصل نشر و تالیف کتاب، در علم موسیقی اشکال ندارد. ۳ حتی علم موسیقی در قدیم الایام به صورت تئوری تدریس می‌شده است و برخی بزرگان ما، مانند؛ فارابی در علم موسیقی کتاب نوشته اند، اما سخن در ۱. ر. ک: تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان. ۲. همه مراجع در استفتائاتشان. ۳. پرسشها و پاسخها، دفتر ۲۲، ص ۶۱. طریقه استفاده از آن است. با آنچه از مطالب گذشته آموختیم اکنون باید دید، دین که برترین روش زندگی است چه موسیقی را حرام می‌داند. در مساله موسیقی تشخیص اینکه چه موسیقی حرام است و در نتیجه عواقب بدی را دارد بسیار مهم است. مراجع دینی که متخصصان عرصه تشخیص دین هستند، باید بگویند؟ ملاک موسیقی حلال و حرام چیست؟ اما تشخیص مصداقی و خارجی، که مثلاً؛ فلان موسیقی حرام است یا حلال از وظایف عرف متدین است نه مرجعیت. موسیقی، قابل قبول از دیدگاه فقه اسلام به آن معناست، که فقه کدام یک از انواع موسیقی را حرام نمی‌داند، نه اینکه فقه کدام موسیقی را پذیرفته است، لذا فقه ما را به هیچ موسیقی تشویق نکرده و هیچکدام را نیکو و مستحب ندانسته است. فقها و کارشناسان دینی، موسیقی غنائی را موسیقی حرام دانسته اند و در مقابل موسیقی فاقد غنا را حلال دانسته اند. همانطور که بیان شد تشخیص این که چه موسیقی لهوی و غنائی

است به عهده عرف است و قطعاً آنچه را که عرف مردم متدین گوش نمی دهند حرام و دارای تبعات سوء خواهد بود و آنچه عرف مردم متدین فاقد غنا می دانند، گرچه گوش ندهند، فاقد عواقب و خطرات سوء خواهد بود.

### آثار و عواقب موسیقی حرام در روایات

۱- بی تفاوتی به ناموس (بی غیرتی): امام صادق (علیه السلام) فرمودند: < إِنَّ شَيْطَانًا يَقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْبُرْبُطِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عَضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْحَةً فَلَا يَعَارُ بَعْدَ هَذَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَعَارُ >> ۱ ترجمه: به شیطان قفندر (بد قیافه) گفته می شود، زمانی که در خانه کسی چهل روز با وسایل موسیقی بنوازند و مردان و زنان گرد هم آیند، شیطان تمام اعضای صاحب خانه را لمس می کند و نفسی شیطانی در او می دمدمد، بعد از آن غیرتش می رود و به رابطه نامشروع دیگران با همسرش بی تفاوت می شود. ۲- مرگ ناگهانی، قبول نشدن دعا، نیامدن فرشتگان: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: "بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ" ۲ خانه ای که در آن غنا باشد از مرگ و مصیبت ناگهانی ایمن نیست و دعا در آن مستجاب نمی شود و فرشتگان به آن داخلی نمی شوند. ۳- سبب نفاق: امام صادق (علیه السلام) فرمودند (> ضَرْبُ الْعِيدَانِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ وَالْخَضْرَاءُ ۳ نواختن موسیقی، نفاق را در دل می رویاند همان طوری که آب سبزه را می رویاند. ۴- غضب الهی: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: ( أَنَّهُ مَنْ لَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمِعْرَفَةِ وَالشُّطْرُجِ وَأَشْبَاهِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ ۱. کافی، ج ۶، ص ۴۳۲. ۴. همان، ص ۴۳۳. ۳. همان، ص ۴۳۴. مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا مَأْوَاهُ النَّارُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۱ اگر در خانه ای چهل روز، وسایل موسیقی و قمار باشد، خشم و غضب الهی آنجا را می گیرد و اگر در روز چهارم کسی از اهل آن خانه بمیرد، فاجر و فاسق مرده و جایگاهش دوزخ است، چه بد جایگاهی. ۵- عامل زنا: پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ( الْغِنَاءُ رِقِيَةُ الزَّانَا >> ۲ غنا، انسان را به زنا می کشاند. ۶- رفتن حیا، ازدیاد شهوت: پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "إِيَّاكُمْ وَالْغِنَاءَ فَإِنَّهُ يَنْقُصُ الْحَيَاءَ وَيَزِيدُ فِي الشَّهْوَةِ" >> ۳... پرهیزید از غنا، چون حیا را می برد و شهوت را زیاد می کند.

### توهم تأثیر موسیقی در تصفیه روح

برخی بر این گمان هستند که موسیقی باعث تصفیه و آرامش روح می شود و دلیلی که ذکر می کنند، گسترش و شیوع موسیقی در کشورهای غربی است و می گویند؟ اگر بد است چرا اینقدر علاقمند دارد؟ پاسخ؛ یکی از عوامل شیوع بیماریهای روانی و فساد اخلاقی به اعتراف بزرگان علمی و فرهنگی غرب همین موسیقیهای مبتذل و جهت دار است که امروزه در غرب گسترش و نفوذ چشم گیری پیدا کرده است و در حال ورود به ساحت فرهنگی و تربیتی کشورهای غرب زده است. موسیقیهایی چون "رپ" و "راک" و "هوی متال" با اهداف خاصی شایع شده‌اند و از مراکز خاصی رهبری می شوند و حتی در آمریکا گروهی از مردم خواستار ممنوعیت آنها شده‌اند، حال با این اوصاف آیا می توان تسلیم آرامش بخش بودن اینگونه موسیقیها شد؟ سؤال: اختلالات روانی که موسیقی ایجاد می کند و آنچه از کتب پزشکی و روانشناسی نقل کردیم چگونه با تصفیه روح کردن و آرامش بخش بودن آن سازگار است؟ و کدام انسان عاقلی با اندک توجهی به آفات و ضررهای موسیقی، جسم و جان خود را در معرض موسیقیهایی قرار می دهد که نمی داند در پشت پرده چه دارند؟ و از کجا هدایت می شوند؟! ۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۵. ۲۲.. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۷. ۳۰۳. الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۰۸.

### تأثیر موسیقی در راندمان و کار بیشتر



اگر برای کارگری، موسیقی پخش شد و او بهتر و بیشتر کار کرد. اگر برای حیوان شیردهی مانند؛ گاو، موسیقی پخش شد و او بیشتر شیر داد. اگر برای گیاهان، موسیقی پخش شد و آنها زودتر رشد کردند. سؤال اینجاست. آیا صوت موسیقی، انرژی کارگر یا حیوان یا گل را بیشتر کرده است؟ یا کمک کرده است که آنها بیشتر تحریک شده و سریعتر انرژی خود را مصرف کنند؟ در نتیجه راندمان بالا رفته اما عمرشان کوتاه گشته و سوداگران در این جریان، منافع و سود بیشتری برده اند و پول بیشتری به جیب زده اند. سؤال دیگر: آیا بهتر است، مدت عمر کارگر، حیوان و گیاه را کوتاه کنیم و انرژی آنان را با موسیقی بیشتر و بیشتر به صورت نامعقول مصرف کنیم؟ و یا بگذاریم آنها به سیر طبیعی و صحیح خود، کار کنند و بدون هیچ محرک خارجی در وقت لازم استراحت کنند و دوباره به کار مشغول شوند؟ کدام اصل انسانی، حقوق بشری و محیط زیستی به ما اجازه می دهد که اجازه تحریک و برهم زدن طبیعت را داشته باشیم؟

### خلاصه درس در چند نکته

۱- موسیقی از لغت یونانی گرفته شده است، در اصطلاح ترکیبی از صدا و آواز است، که با هدف هیجان آفرینی، نشاط و شادمانی ایجاد می گردد و در فقه اسلامی از موسیقی به غنا تعبیر شده است البته تشخیص غنا و حرمت موسیقی، بر عهده عرف متدین است.  
 ۲- دانشمندان راجع به موسیقی، نظراتی داده اند که اکثر آنها ناظر بر مراقبت از نوع موسیقی و هشدار نسبت به ضررهای موسیقی (حرام) است. ۳- روانشناسان و پزشکان یکی از عوامل بیماریهایی چون: خنده و گریه بی مورد، جنون، احساس خودبزرگی بینی، اختلالات مغزی، کوتاهی عمر، عدم تعادل اعصاب سمپاتیك و پاراسمپاتیك، افسردگی، طپش قلب و... را موسیقی (حرام) می دانند. ۴- موسیقی به حلال و حرام تقسیم می شود، و دین تشویق یا ترغیبی نسبت به موسیقی (حلال) نکرده است. ۵- عاقبت گوش و جان سپردن به موسیقی (حرام) در روایات معصومین (علیهم السلام)؛ بی تفاوتی به همسر (بی غیرتی)، مرگ ناگهانی، قبول نشدن دعا، نیامدن قرشتگان، سبب نفاق، رفتن برکت، عامل انحرافات جنسی، رفتن حیا و ازدیاد شهوت و... است. ۶- چون موسیقی (حرام) عامل برخی از بیماریهای روحی و جسمی است، قطعاً باعث تصفیه و آرامش روح نخواهد نشد. ۷- موسیقی راندمان کار و مصرف انرژی را به صورت غیر طبیعی افزایش می دهد به همین دلیل استهلاک و فرسودگی و کاهش عمر را در پی دارد.

### مطالعه بیشتر

۱- بهشت جوانان، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر. ۲- موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، علامه محمد تقی جعفری. ۳- مناظره دکتر و پیر، دکتر پاک نژاد. ۴- تعلیم و تربیت اسلام، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا. ۵- گناهان کبیره، آیت الله دستغیب. ۶- پرسشها و پاسخهای دانشجویی، دفتر بیست و دوم (احکام موسیقی)، مجتبی حسینی، قم، انتشارات دفتر نشر معارف.

### درس پنجم: تفاوت در حقوق زن و مرد

#### موضوع درس

یکی از دغدغه های مهم، برای دختران و زنان وجود برخی از تفاوتهایی است که در حقوق زن و مرد در اسلام آمده است و تصور شده است، که چنین تفاوتهایی، تبعیض و بی عدالتی نسبت به زنان و دختران می باشد و به زنان ظلم و تعدی شده و آنها را در بسیاری از مشاغل اجتماعی یا حقوقی بی بهره یا کم بهره گردانیده است ولی مردان در این جهت عزیز و استثنائی می باشند. البته باید در ابتداء به طور دقیق به فرق تفاوت و تبعیض اشاره شود که این بحث خواهد آمد. اما نکته حائز اهمیت اینکه، اگر دین اسلام

که آخرین دین الهی و نتیجه رسالت های صد و بیست و چهار هزار پیامبر است قوانین ظالمانه و یکطرفه و جانبدارانه وضع کند و عدالت و صلاحیت لازم برای قانونگذاری نداشته باشد، کدام دین و قانون می تواند این، عدالت و صلاحیت را داشته باشد. برخی به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تقسیم غنائم جنگی اعتراض می کردند و او را به عدالت تشویق و ترغیب می کردند، وجود نازنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اگر من عدالت نداشته باشم چه کسی عدالت دارد؟ ۱. ارشاد، ج ۱، ص ۱۳۵، ترجمه رسولی محلاتی.

### فرق تفاوت و تبعیض

تفاوت، منطقی و معقول است؛ مثال: یک ظرف کوچک با یک ظرف بزرگ فرق دارد و لذا ظرفیت یک ظرف کوچک کمتر از ظرفیت یک ظرف بزرگ است. تفاوت از اختلاف در ماهیت و مراتب پدیدار می شود، مثلاً اگر معلمی به دانش آموزی نمره ۲۰ و به دیگری ۱۵ می دهد به خاطر ماهیت و مرتبه درسی آنها است و چنین تفاوتی نزد همه انسانهای عاقل پذیرفته شده است و اصل و بنیان نظام اجتماعی بر پایه همین تفاوتها است. تبعیض، یعنی "بی عدالتی و ظلم، اگر معلمی امتحانی تستی از دانش آموزان بگیرد و به دو برگه پاسخنامه ی مانند هم، دو نمره متفاوت دهد این تبعیض و ظلم است و هرگز هیچ انسان عاقلی آن را نمی پسندد و فطرت از آن منزجر و رویگردان است. با روشن شدن فرق تفاوت و تبعیض، نسبت تبعیض دادن به قوانین الهی، نوعی ظلم و تعدی به دین الهی است، مگر در صورتی که اعتراضات از نداشتن علم کافی، یا عدم اطلاع از فلسفه احکام باشد. گذشته از آنکه فرد مسلمان یعنی کسی که تسلیم و منقاد خدای سبحان شده تمامی احکام الهی را چون حکم خداست می پذیرد و با این انقیاد و فرمان برداری به پروردگار مهربان نزدیکی می جوید لذا هیچ جای سئوالی برایش باقی نمی ماند، مگر برای آگاهی یافتن. همانطوری که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خدا، زنده شدن مردگان را سؤال می کند: < (وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَآ كُنْ لِيُطْمَئِنِّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. " ترجمه: و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: "خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟" فرمود: (مگر ایمان نیاورده ای؟!)، عرض کرد: "آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد." فرمود: "در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن)، قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز!) سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد."

### دوست پسر داشتن برای دختران

سؤال: اسلام به دختران گفته دوست پسر نداشته باشند "چرا دوست پسر داشتن برای دختران حرام است؟ پاسخها: اول؟ دوست دختر داشتن و هرگونه ارتباط نامشروع با نامحرم برای پسران و مردان نیز حرام است. دوم "ارتباط دختر و پسر از هر طرف که باشد؟ دارای پیامدهای ناگوار اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و جسمی می باشد که در درس ارتباط دختر و پسر به آنها اشاره کردیم، ده پیامد را اینجا مطرح می کنیم: (۱) ایجاد جو بدبینی در اجتماع و مخصوصاً محیط خانواده. (۲) عامل اصلی طلاق و فروپاشی خانواده ها و ایجاد خانواده های تک والدینی. (۳) بالا رفتن سن ازدواج در جامعه. (۴) عامل اصلی فشارهای روحی و روانی و تولید استرس و اضطراب. (۵) عامل بسیاری از بیماری های روان تنی (به درس ارتباط دختر و پسر مراجعه کنید). (۶) عامل خشونت و بد رفتاری والدین و فرزندان با یکدیگر. (۷) خطر رسوایی و آبروریزی با توجه به معیارهای فرهنگی کشور ما. (۸) آشفته گی و پریشانی در امور زندگی و شغلی. (۹) عدم موفقیت در تحصیلات تکمیلی و عالی. (۱۰) از دست دادن حمایت الهی در عرصه های سخت و

دشوار زندگی.

## وجوب نمازهای قضای والدین بر پسر بزرگتر

### تفاوت دیه زن و مرد

سؤال: چرا دیه زن و مرد با هم متفاوت است؟ آیا زن در انسانیت کمتر از مرد است؟ چرا عدالت رعایت نمی شود؟ پاسخها: اول " بین عدالت و مساوات فرق است، چنانچه بین تفاوت و تبعیض فرق بود، لذا به تعریفها دقت شود. دوم؛ مرد، تامین کننده مخارج یک زندگی و خانواده است لذا عقلانی است، اگر کشته شود باید دیه بیشتر باشد که خانواده اش راحت تر زندگی کنند، و این در حقیقت کمک به زن است. سوم؛ دادن دیه زن در برخی از موارد بر عهده مرد است نه زن، مثل. قتل سہوی (خطایی) که زن انجام می دهد، ولی مرد، تاوان آن را می دهد. آیا مردان حق اعتراض ندارند؟ چهارم مابقی نصف دیه را برای زنی که سرپرست خانوار باشد، می توان از مجاری قانونی، قانونگذرای کرد و هرگز چنین نیست که نتوان دیه زن و مرد را مساوی کرد، نصفی از جهت حکم خدا و نصفی به خاطر سرپرست خانوار بودن زن. پنجم: دیه ارزش نیست تا تفاوت آن مهم باشد.

### تفاوت شهادت بر جرم در مورد زن و مرد

سؤال: چرا شهادت دو زن در مورد گواهان جرم در دادگاه ها برابر شهادت یک مرد است؟ مگر یک زن چه نقصی دارد که باید حتما دو نفر باشند تا سخن آنان مورد قبول محکمه قضایی قرار گیرد؟ پاسخها: اول؛ این یک امتیاز برای زن است که می تواند با آن به راحتی از شهادت بر جرم که دارای مراحل طاقت فرسایی چون بیان جزئیات حادثه و خطرات احتمالی است، شانه خالی کند. دوم؛ تساوی از نظر خالق انسانها، خدای مهربان در این مورد جایز نمی باشد. سوم؛ شهادت حق نمی باشد، بلکه تکلیف است که از زنان خواسته نشده است. چهارم؛ شهادت و گواهی ابزاری برای اثبات جرم است و از نظر احساسی و عاطفی بهتر است زنان در این مسائل دخالت نکنند تا از نظر روحی و روانی آسیب نبینند.

### قضاوت زن

سؤال: چرا اسلام می گوید: زن نمی تواند قاضی شود؟ چرا مرد می تواند قاضی شود؟ مگر زن از مرد ناتوان تر است؟ پاسخها: اول؛ هر شغلی از نظر مردم و متخصصان دارای شرایطی است و نداشتن این شرایط کمبود یا نقص تلقی نمی شود بلکه در هر شغلی باید شاغل آن ویژگی هایی داشته باشد تا بتواند از عهده وظایف مربوطه برآید، قضاوت که درگیر شدن با پرونده های جرم، جنایت و انحرافات است با روحیه زن تناسبی ندارد و زن در این شغل با انواع مشکلات روحی و روانی مواجه می شود و لذا شایسته روحیه لطیف و مهربان زنان نمی باشد. البته اگر امضای نهایی حکم دادگاه توسط مرد صورت گیرد، شرکت زن در جریان دادرسی و محاکم قضایی اشکالی ندارد. دوم؛ مگر همه مردان، شرایط قضاوت را دارند، ویژگی و صفات قاضی اسلامی بسیار دشوار احراز می شود. آیا صحیح است! مردان هم اعتراض کنند: چرا همه ما نمی توانیم قاضی شویم؟

### مرجعیت زن

سؤال: چرا اسلام اجازه مرجعیت را به زن نمی دهد؟ مگر زن از نظر علمی نمی تواند هم پایه مرد باشند؟ پاسخها: اول؛ مرجعیت، یک مقام اجرایی است که شرایطی چون عدالت و فقاہت دارد، در این جهت زن و مرد با هم تفاوتی ندارند لذا زن می تواند فقیه و

مجتهد باشد. اما مرجعیت که نیاز به درگیری و فشارهای مختلف در مقاطع سخت و سنگین دارد با روحیه لطیف زن ناسازگار است. لذا دین اسلام زن را، ریحانه و گلی خوشبو می‌داند که به خانواده خویش عطر افشانی می‌کند، نه پهلوان عرصه درگیری و صدور بیانیه و مانند آن. امیر مومنان علی (علیه السلام) فرمودند: < فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ > ۱ ترجمه: بدرستیکه زن، گل است نه پهلوانی سخت کوش! دوم؛ مقام اجرایی مانند؛ مرجعیت از جمله مسئولیتهایی است که بسیاری از بزرگان، هرگز زیر بار آن نرفتند و همواره مرجعیت را تکلیفی بزرگ و فوق توان خود می‌انگاشتند. سوم؛ مرجعیت، ارزش معنوی خاصی ندارد که نداشتن آن توهین به زن تلقی شود، در دین اسلام اساس و ارزش یک مسلمان به تقوا است. قرآن کریم می‌فرماید < إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ > ۲ ترجمه: گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و آگاه است. ا. نهج البلاغه، نامه ۲۳۱. حجرات: ۱۳.

### تفاوت سن تکلیف زن و مرد

سؤال: چرا باید دختر زودتر از پسر مکلف شود؟ دختر در سن ۹ سالگی و پسر در ۱۵ سالگی، یعنی؛ دخترها شش سال زودتر باید نماز و روزه و بسیاری تکالیف را انجام دهند، چرا؟ پاسخها: اول؟ تکلیف گرچه از نظر لغوی به معنای کلفت و سختی است اما در اصطلاح دینی ما نشانه نزدیکی و قرب به خداوند سبحان است. لذا هر کس عزیزتر است: تکلیفش بیشتر و بالاتر است. مثلاً؛ نماز شب برای وجود نازنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) واجب بوده است، آیا این وجوب نماز شب برای پیامبر، علامت و نشانه نزدیکی او به خدا نیست؟ دوم؛ زن به جهت گوهر وجودی که دارد و انتظاری که از او در محوریت، محبت خانواده می‌رود، باید دارای مراقبتها و احتیاطهای ویژه باشد، لذا خدای سبحان، وجود او را بسیار عزیز می‌شمارد، لذا او را زودتر به حضور پذیرفته است. اگر بادیگرانش بود میلی چراجام مرابشکست لیلی در حالی که می‌دانیم، عبادات و تکالیف ما هیچ فائده‌ای برای خدا ندارد، بلکه این ما هستیم که با اطاعت و عبادت به خدای سبحان نزدیک شده و به وصالش نائل می‌گردیم. سوم؛ در دین سفارش شده که پسران نیز از سن ده سالگی به نماز و سایر عبادات تشویق و ترغیب شوند و در صورت ترک عبادات، تنبیه شوند.

### عدم تفاوت اصل عقل زن و مرد

سؤال: چرا در دین بر عقل زنان اشکال شده است؟ مگر زنان از نظر عقلی از مردان کمتر هستند؟ پاسخها اول؛ نکوهش تنها برای زنان نمی‌باشد در مواردی برخی از مردان نیز نکوهش شده‌اند: امیر مومنان علی (علیه السلام) خطاب به مردان بی وفای کوفه فرمودند: < يَا أَشْيَابَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ > ۱ ترجمه: ای کسانی که شبیه مردان هستید ولی از مردان نیستید. دوم؛ برخی از روایات به نوع خاصی از عقل در زن و مرد اشاره می‌کند، مثل؛ عقل زن در امور جنگی یا اقتصادی که معمولاً زنان در آن دوران از آنها آگاهی نداشتند و لذا مشورت با آنان در موارد مذکور غلط بوده است. چنانچه با مردانی که آگاهی ندارند نمی‌شود مشورت کرد. سوم؛ قطعاً حضرت زهرا (علیها السلام) و بسیاری از زنان عالم از بسیاری از مردان بالاتر هستند. چهارم؛ استاد شهید مرتضی مطهری می‌نویسد: < مغز متوسط مرد از مغز متوسط زن بزرگتر است ولی با در نظر گرفتن مجموع بدن مغز زن از مغز مرد بزرگتر است بنابراین با نسبت به مرد این حکم هست و بدون در نظر گرفتن آن، نسبت زن به نقص عقل نیست > ۱۲. الاحتجاج علی أهل اللجاج: ج ۱، ص: ۱۷۴. ۲. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۶.

### اجازه پدر در ازدواج دختر

سؤال: اجازه پدر چرا باید در ازدواج دختر شرط باشد؟ آیا این تحقیر دختر محسوب نمی‌شود؟ پاسخها اول؛ این مساله مورد اتفاق

همه فقها و علما نمی باشد و همچنین دختر بیوه را نیز، شامل نمی شود. دوم؛ این نوعی مشورت و احتیاط در امر ازدواج است، پسر هم اگر از تجربه و رضایت پدر استفاده کند بهتر است. سوم؛ این اختیار برای پدر، مطلق نمی باشد و در صورت سوء استفاده پدر، دختر می تواند با اجازه حاکم شرع، این حق را از پدر سلب کند. چهارم؛ قطعاً همه پدرها، سعادت و خوشبختی دخترشان را می خواهند و دوست دارند، دخترشان با مردی که از نظر دینی و معنوی و اخلاقی و... خوب باشد ازدواج کند. پنجم " معمولاً مردها، بنده شهوت هستند و زنان اسیر محبت، لذا در این بحبوه بهتر است دختران، محبت صحیح و کاذب را با رضایت پدر کشف کنند. ششم؛ اگر این اجازه را درست ندانیم یک بی احتیاطی کرده‌ایم و هیچ عاقلی این بی احتیاطی را درست نمی داند، چون ضررش تقریباً غیر قابل جبران است. حق طلاق سؤال: چرا اسلام حق طلاق را به مردها می دهد؛ مگر زنها چه اشکالی دارند که نمی توانند حق طلاق داشته باشند؟ پاسخها: اول؛ حق طلاق با شرایطی، برای مرد است و با از بین رفتن شرایط، مانند بد اخلاقی مرد، اعتیاد، ترک همسر و مانند آنها، زن می تواند با اجازه حاکم شرع دختران نوجوان در مدرسه زندگی) ج ۱/... طلاق خود را بگیرد. دوم؛ آمار نشان می دهد زنها مخصوصاً در اوائل زندگی با پیش آمد کمترین مشکلاتی، تقاضای طلاق و جدایی می کنند، البته این حالت بسیار موقت است، حال اگر تصور شود که بتوانند به راحتی حق طلاق داشته باشند، چقدر زندگیها به آسانی متلاشی می شود؟ سوم؛ حق طلاق به طور ابتدایی برای مرد است و زن می تواند با شرط ضمن عقد، حق طلاق را به طور مطلق داشته باشد.

### اصول حاکم در تفاوت‌های حقوقی زن و مرد

از مجموع آنچه در پاسخ به سؤالات و اشکالات گفتیم، اصول و قواعدی برداشت می شود: ۱- آنچه در احکام الهی است، تفاوت است نه تبعیض و بی عدالتی. ۲- تفاوت، لازمه خلقت است و این تفاوتها، زیبا و حکیمانه است. ۳- کار اجرایی، وظیفه ای دشوار است نه فضیلت و نشانه قرب الهی؛ لذا قرآن کریم تقوا را، فضیلت و نشانه قرب الهی می داند. ۴- خالق انسانها، بهتر از همه می داند چه چیزی، برای چه کسی خوب یا بد است و چه کسی باید چه کاری را انجام دهد یا ندهد. ۵- عقل ما به برخی از دلایل راه دارد، اما از درک همگی آنها ناتوان است، چون علم ما مطلق نمی باشد. ۶- از چه کسی باید سؤال کنیم؟ در مورد تفاوتها باید چگونه بیندیشیم؟ بهتر نیست بیشتر فکر کنیم؟ ۷- تعبد و تسلیم انسان محدود و ناقص در برابر خدای حکیم و بی نهایت، عقلانی است. ۱. البته یافتن عوامل این پدیده نیازمند تحقیق است.

### خلاصه درس در چند نکته

۱- موضوع بحث، در مورد سؤالات و شبهاتی است که در مورد برخی از تفاوت‌های حقوقی بین زن و مرد در اسلام تشریح شده است. ۲- تفاوت، فطری و معقول؛ ولی تبعیض، نامعقول و ظلم است. ۳- هر فرقی از نظر حقوق اسلامی بین زن و مرد وجود دارد، تفاوت است نه تبعیض؛ زیرا خداوند هرگز به بندگانش ظلم نمی کند. ۴- دوست پسر داشتن برای دختران و دوست دختر داشتن برای پسران جایز نمی باشد و این ارتباط دارای پیامدهای زیانباری برای فرد و جامعه می باشد. ۵- بنابر قول مشهور فقهاء، نماز قضای والدین بر پسر بزرگتر واجب است و فرقی در این جهت میان پدر و مادر نمی باشد. ۶- ارث زن در مواردی نصف مرد است و در مواردی، بیشتر یا مساوی با مرد است. ۷- دیه مرد به خاطر اینکه مسئول خانواده است دو برابر زن است و قانون می تواند در مورد زنان سرپرست خانوار چنین نقصی را جبران کند. ۸- شهادت و گواهی زنان، در محاکم قضایی با روحیه و عواطف زنان سازگاری ندارد، لذا دین چنین فشاری را برای زنان بر نمی تابد. ۹- قضاوت زن با روحیه و وظیفه حساس زن که محور محبت و عاطفه خانواده است، سازگاری ندارد و البته می تواند به طور غیرمستقل در جریان دادرسی شرکت کند و کارهایی، مانند؛ وکالت را عهده دار گردد. ۱۰- مرجعیت، مسئولیتی بسیار دشوار است که بسیاری از مجتهدان بزرگ، هرگز آن را نپذیرفتند و برخی از

بزرگان هم به خاطر ضرورت و اصرار آن را پذیرفته اند، لذا زن را از ورود در این عرصه منع کرده اند. ۱۱- وجود زن در دین اسلام چون بسیار عزیز و پر قدر و قیمت است لذا زودتر او را برای، مناجات و عبادت با خدای سبحان فرا خوانده‌اند و این فضیلت بزرگی برای زنان محسوب می شود. ۱۲- زن و مرد، از نظر اصل عقل با هم تفاوت ندارند و آنچه در برخی روایات آمده به جنبه خاصی از عقل زنان اختصاص دارد، یعنی. عقل تجربی. ۱۳- اجازه پدر برای ازدواج دختر مساله ای عقلانی و موافق با احتیاط است، و این حکم نزد علما و فقها مورد اتفاق نمی باشد. ۱۴- حق طلاق برای مرد به طور طبیعی ملحوظ شده است و زن می تواند با شرط ضمن عقد این حق را برای خود داشته باشد. ۱۵- اصولی کلی، بر همه موارد یاد شده وجود دارد که با توجه به آنها بسیاری از سؤالات دیگر در مورد تفاوت‌های حقوقی زن و مرد از منظر اسلام قابل حل خواهد بود.

## سوالات درس

۱- بحث ما در مورد چیست؟ ۲- فرق تفاوت و تبعیض چیست؟ ۳- چرا دوست پسر داشتن برای دختران اشکال دارد؟ ۴- چرا نماز قضای مادر بر پسر بزرگ واجب نمی باشد؟ ۵- چرا در برخی موارد ارث دختر نصف پسر می شود؟ ۶- چرا دیه زن و مرد باید متفاوت باشد؟ ۷- چرا شهادت دو زن، معادل شهادت یک مرد است؟ ۸- چرا زن نمی تواند قاضی شود؟ ۹- چرا زن نمی تواند مرجع تقلید شود؟ ۱۰- چرا سن تکلیف دختر زودتر از پسر است؟ ۱۱- آیا زن و مرد، از نظر عقلی با هم تفاوت دارند؟ ۱۲- دلیل اجازه پدر، در ازدواج دختر چیست؟ ۱۳- چرا اسلام حق طلاق را، به مرد داده است؟ ۱۴- چه اصولی را می توان از این مباحث استخراج کرد؟

## برای مطالعه بیشتر

۱- زن در آینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، قم، انتشارات اسراء ۲- بهشت جوانان، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبب اکبر ۳- حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا ۴- پاسخ به سؤالات جوانان، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبب اکبر ۵- دختران چه می پرسند؟، محمود اکبری، قم، انتشارات سنابل ۶- تفاوت‌های فردی، دکتر حمزه گنجی

## درس ششم: عوامل پیروزی و موفقیت

### موفقیت و پیروزی در زندگی

رویکرد و توجه ویژه ما در این درس موفقیت و پیروزی در زندگی است و معتقدیم اگر کسی زندگی خوب و موفق داشته، آخرتی بهتر و زیباتر خواهد داشت. پیروزی و موفقیت در پرتو سعی و کوشش به دست می آید. قرآن کریم می فرماید: "وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" ۱ ترجمه: برای انسان غیر از آنچه تلاش می کند، وجود ندارد. آخرت منهای دنیا و دنیای منهای آخرت، در دین اسلام نفی و طرد شده است لذا در متون دینی ما آمده است: "هر کس، دنیا را بر آخرت، برگزیند از ما نیست و هر کس، آخرت را به جای دنیا برگزیند از ما نیست" ۲۰ بر همین اساس باید تلاش جدی و خوبی برای پیروزی و موفقیت در زندگی داشته باشیم. ۱. نجم: ۳۹. ۲. بحار الأنوار: ج ۱۸، ص ۳۲۱. باید، دو مرحله کلی را رعایت کنیم: ۱- علم و دانش نسبت به عوامل و موانع پیروزی و موفقیت. ۲- عمل و تلاش برای آنچه به آن علم پیدا کرده ایم. بزرگان گفته اند: "تمام انسانهای مهم از آن جهت مهم بوده و هستند که راز و رمز زندگی را آن گونه که بایسته و شایسته بوده، درک نموده و به عمل درآورده اند و این ممکن نیست مگر با دانش کافی و همت بلند" ۱

## عوامل پیروزی و موفقیت:

پیروزی و موفقیت، نتیجه یک پروژه طولانی است، که دارای عوامل متعددی است، اما برای آنکه عوامل را، به صورت منطقی دسته بندی کنیم، تا در فهم و تطبیق مشکلی پیش نیاید، عوامل پیروزی و موفقیت را به دو دسته عمده تقسیم می کنیم: ۱- عواملی که فرد در آنها نقش نداشته یا نقش بسیار کمی دارد که از این عوامل به "بیرونی یا خارجی" تعبیر می کنیم. ۲- عواملی که فرد در آنها نقش داشته و به اصطلاح در حیطه اختیار او می باشد، که از این عوامل به "درونی یا فردی" تعبیر می کنیم. عوامل درونی و بیرونی، هر دو در موفقیت و پیروزی در زندگی نقش دارند اما آنچه، نقش تعیین کننده در موفقیت و پیروزی دارد، عوامل درونی و فردی است یعنی "آنچه فرد با توجه و اختیار خود به سوی آن حرکت می کند و خود را با آن مانوس می کند، این عوامل به قدری قوی و قدرتمند هستند که در مباحث بعدی خواهیم دید که می توانند به کلی وضعیت زندگانی انسانی را که در بدترین شرایط بوده، تغییر داده و از او انسانی موفق و پیروز بسازند. ۱. استاد شیروی.

## عوامل بیرونی یا خارجی پیروزی و موفقیت

عواملی که بیرون از قدرت و اختیار انسان می باشد و یا آنکه نقش انسان در آن بسیار کم و ضعیف تصور می شود، گرچه این عوامل گاهی مانع پیروزی و موفقیت هستند ولی در برابر قدرت اختیار انسان، قدرت مقاومت ندارند، لذا انسان می تواند همه این موانع مزاحم پیشرفت را از میان بردارد. به دو عامل عمده بیرونی اشاره می کنیم: ۱- وراثت: از عواملی که فرد، هیچ نقشی در آن ندارد، اما ویژگیها و خصوصیات از والدین به او منتقل می شود، از چیزهایی که با وراثت منتقل می شود: ترس، شجاعت، ضریب هوشی و مانند آنهاست. باید توجه داشت، تشخیص چنین موضوعی یعنی؟ آنچه با وراثت منتقل شده، گرچه بسیار دشوار نمی باشد اما نیازمند علم و تجربه کافی می باشد و قضاوت سریع، صحیحی نمی باشد و با توجه به اینکه وراثت والدین هم ارثی بوده و این زنجیر ادامه دارد، لذا نمی توان پدر و مادر را سرزنش کرد، چون این مساله در اختیار آنها نیز نبوده است همان طور که در اختیار کسی که آنها را به ارث برده نیز نمی باشد و او هم ناقل آنهاست. ۲- محیط: هر فردی که در یک خانواده به دنیا می آید، بسیاری از مسائلی و خصوصیات خانواده در ذهن و جان او تاثیر می گذارد، مانند؛ رفتار والدین، خواهران، برادران، همشاگردیها، معلمان، همسایه ها، همسالان و مانند اینها، که همه این شرایط و خصوصیات تقریباً از دایره اختیار فرد، خارج است مگر در صورتی که دارای زندگی مستقل شود و برای خود تصمیم بگیرد، البته قبل از آنکه شخصیت و ذهنیت او تابعی از این ویژگیها شود.

## عوامل درونی یا فردی پیروزی و موفقیت

عواملی که در حیطه اختیار کامل انسان بوده و هیچی کس نمی تواند منکر وجود آنها شود، منظور ما از ارائه این درس توجه به همین عوامل است و ثمره و نتیجه درس باید رشد و اصلاح این عوامل، در مخاطبان گردد. عوامل فردی و درونی بسیار است اما تعدادی از عوامل مهم با برخی، مثالها عنوان می شود، تا با دقت در آنها، الگوگیری از آنها فراهم گردد. نکته مهمی که باید دانست، بیان عنوانهای عوامل موفقیت و پیروزی به طور کلی می باشد، که اختصاصی به زنان یا مردان یا طیف و گروه خاصی ندارد، اگر مثلاً مشورت به عنوان یکی از عوامل موفقیت و پیروزی مطرح می شود، باید با قانون و قاعده، آن را اجرا نمود، مثلاً: اگر ماشین لباسشویی خراب شود، مکانیک برای تعمیر دعوت نمی شود، گرچه مکانیک هم متخصص است اما تخصص او ارتباطی با نیاز موجود ندارد، یا اگر در مسائل دینی، دچار شبهه و تردید شوید در کوچه و خیابان و در صف نانوايي و در حال ورزش و مانند آن از دوست و همسال خود کمک نمی گیرید بلکه به متخصص علوم دینی مراجعه می کنید. توجه کنید که تخصص داشتن

یک مطلب است و تطبیق تخصص با نیاز، مطلبی دیگر، لذا در مشورت باید مشاور، امین، آگاه، صبور، توانا، باتجربه باشد و گرنه مشاوره تبدیل به درد و دل، گله گذاری، خروج از حدود عقلی و ورود به وادی جهل و نادانی خواهد بود، البته درد و دل کردن با افراد مطمئن و مومن اشکال ندارد. عوامل عمده درونی و فردی پیروزی و موفقیت عبارتند از: ۱- خودشناسی: یکی از مهمترین عوامل پیروزی و موفقیت است، یک نوجوان یا جوان با شناخت خود به چند محور دست می یابد: الف- استعدادها و تواناییهای خود را می شناسد. ب- حساسیت ها و ضعف های خود را می شناسد. ج- وضعیت گذشته را بررسی می نماید. د- علائق و تمایلات و گرایشهای خود را تعیین می نماید. مجموعه این محورها باعث می شود نوجوان و جوان با چشم باز و توجه بیشتری زندگی را نگاه کند و در دام خیالات و توهمات گرفتار نیاید. چندمثال: علامه محمد باقر مجلسی: در کودکی به حفظ روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) علاقه بسیار داشت و تا سنین نوجوانی احادیث بی شماری نیز حفظ کرد، این استعداد ذاتی سبب شد تا ایشان به جمع آوری کتابهای متعدد و تالیف مجموعه ۱۱۰ جلدی بحارالانوار بزرگترین دائرة المعارف حدیثی شیعه موفق گردد. شهریار: او ابتدا در رشته پزشکی تحصیل می کرد پس از چندی استعداد خود را در ادبیات و سرودن شعر شکوفا دید و در این راه موفق شد. ۲- توجه به ذوق و استعداد: در عامل اول اشاره کردیم اگر کسی خوب خود را بشناسد و سپس به این شناخت توجه کند می فهمد که به چه چیزی و چه رشته ای علاقمند است، مسلماً هر کس ویژگی و خصوصیت خاصی را دارد، لذا هر کسی ذوق و استعداد ویژه ای در نهادش به ودیعه نهاده شده است. در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ شمسی مساله نفت خیلی برای مردم مهم شده بود مردم ناخواسته به وادی مباحث نفت و ارزش و قیمت آن کشیده شده بودند. در این فضا بسیاری علاقمند به شرکت در تحصیل در رشته نفت شدند ولی آیا ذوق و سلیقه خود را می سنجیدند یا حرفهای مردم آنان را به این سو کشانده بود؟ از ادیسون پرسیدند چرا اکثر جوانان، موفق نمی شوند؟ گفت: «چون راه خود را نمی شناسند و در جاده دیگری گام برمی دارند» گالیه: در کودکی به ساختن ماشین آلات کودکانه علاقه داشت پدرش بر خلاف میل گالیه، وادارش کرد، علم طب بخواند ولی او در این راه ترقی نکرد سپس به آموختن ریاضیات و فیزیک پرداخت و نبوغ خود را در نجوم آشکار ساخت. در نتیجه گالیه در طب موفق نشد اما اثبات کرد که زمین به دور خورشید می چرخد نه بالعکس و نخستین کسی بود که "پاندول" ساعت را ساخت. ۳- کار و کوشش و فعالیت: قطعاً کار و کوشش، جبران کننده ضعف هوش و استعداد و مانند آنها می باشد بسیاری از افراد موفق و پیروز فاقد ضریب هوشی بالا و استعداد های درخشان بوده اند ولی با کار و تلاش و فعالیت توانستند به مراتب بسیار عالی برسند. چندمثال: پاستور: شعارش کار و تلاش بود گاه چنان سرگرم کار می شد که سر و صدای بیرون آزمایشگاه را نمی شنید، حتی هنگامی که مهاجمان آلمانی پاریس را محاصره کردند و صدای توپ ها در شهر پیچید، حضور دشمن را متوجه نشده بود. مرجع عالیقدر آیت الله العظمی بروجردی می گوید: یک شب دربارۀ یک مساله علم اصول فکر می کردم و می نوشتم، چنان سرگرم مطالعه، فکر و نوشتن بودم که رنج بی خوابی را ملتقت نبودم، یک مرتبه صدای اذان به گوشم رسید متوجه شدم که هوا روشن می شود و من از آغاز تا پایان شب سرگرم مطالعه بودم. علامه امینی: برای تالیف کتاب الغدیر به کشورهای مختلفی از جمله هندوستان سفر کرد، در بازگشت از هند از او پرسیدند: هوای هند چگونه بود؟ گفت: به دلیل اینکه همواره مشغول مطالعه بودم، متوجه هوای آنجا نشدم. گرچه ما چنین انتظاری از خود و مخاطبان نداریم ولی نگاه به زندگی نخبگان علمی و دانشمندان می تواند نقش موثری در کشف استعدادها ایجاد کند. ۴- آغاز از کارهای کوچک: شروع از کارهای کوچک، ما را به خودمان مطمئن و امیدوار می سازد و موفقیت کوچک قطعاً گامی برای حرکت برای اهداف عالی تر است. همیشه این شعر را در نظر داشته باشیم: همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده اند و در ضمن این ضرب المثل شیرین را هم به یاد داشته باشیم: "سنگ بزرگ علامت نزدن است" برخی از افراد بسیار اهل بلف و حرفهای بزرگ زدن هستند اما در عمل بسیار ضعیف عمل می کنند و به قول متخصصین، خروجی ندارند این افراد در همه جا خود را صاحب نظر می دانند به مثالها دقت کنید: ناصرالدین شاه مسافرتی به اروپا کرد در بازدید خود از لندن با



ملکه انگلستان تماس گرفت و علت موفقیت بانک انگلیس را از او پرسید که چگونه این بانک، وقتی در تهران افتتاح شد یک رئیس، یک حسابدار و یک پیشخدمت داشت و با سرمایه کمی آغاز کرد ولی اکنون به موفقیت شایانی رسیده و سرمایه ای انبوه دارد؟ ملکه گفت: ملت انگلیس، هرگز اسرار و رازهای موفقیت خود را به ملل بیگانه نمی گویند، ولی من به پاس احترام شما در اینجا نکته ای را می گویم، ما مردم مغرب زمین (اروپا) خصوصاً مردم انگلستان همواره کار را، از جای کوچک شروع می کنیم تا اگر سودی نبرسیم راه بازگشت برایمان باز باشد و با دادن ضرر ناچیز نقشه را دگرگون می کنیم و اگر سود بردیم فوراً وضع موجود را توسعه می دهیم، ما در این خصیصه با شما شرقیان در نقطه مخالف قرار گرفته ایم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دعوت آسمانی خود را با چند نفر آغاز کرد و اکنون بیش از یک میلیارد جمعیت دنیا مسلمان هستند. ۵- استقامت و پشتکار: هیچ انسانی در هیچ کاری موفق نشد مگر اینکه استقامت و شکیبایی از خویش نشان داد چون هرگز عوامل موجود در طبیعت و اجتماع با خواسته ما همسویی ندارند، لذا باید با صبر و استقامت و پشتکار به نتیجه رسید. برخی از افراد خیلی کار و کوشش (عامل دوم) دارند ولی وقتی با مشکلاتی مواجه می شوند، استقامت و پشتکار ندارند و سریع نا امید شده و تسلیم شرایط می شوند این افراد قطعاً موفق و پیروز نیستند. ابو جعرا: یکی از دانشمندان بزرگ اسلامی به ثبات و استقامت معروف است، او که معروف به ابو جعرا است درس استقامت را از یک حشره به نام جعرا فرا گرفته است، می گوید: در مسجد جامع دمشق کنار ستونی نشسته بودم که دیدم این حشره (جعرا) قصد دارد روی سنگی صاف بالا رود و در کنار چراغ قرار گیرد من از اول شب تا نزدیکهای صبح در کنار آن ستون نشسته بودم و در بالا رفتن این جانور دقت می کردم دیدم ۷۰۰ بار از روی زمین تا میانه ستون بالا رفت و در اواسط مسیر به زمین می افتاد چون ستون صاف بود پای او بر آن می لغزید، من از تصمیم و اراده آهنین او تعجب کردم برخاستم وضو ساختم و نماز خواندم بعد نگاهی به آن حشره کردم دیدم استقامت او نتیجه داده و در کنار چراغ ننشسته است. شیطان: شیطان رانده شده در اراده و استقامت بسیار قوی و قدرتمند است و در این راه بسیار موفق بوده و هست، شیطان در جریان سجده ملائکه به آدم (علیه السلام) از سجده امتناع کرد خداوند او را از درگاه خویش راند، شیطان گفت: حال که مرا دور ساختی همه آدمیان را به دوزخ می آورم غیر از کسانی که دل باخته تو باشند. شیطان آن حرف را زده چنانکه در قرآن آمده و اکنون شاهد پیکار و استقامت شدید او در جامه عمل پوشاندن به حرفش می باشیم، چه بسیاری را که گمراه کرده و می کند. سکاکی: داستان سکاکی هم معروف است او در سی سالگی، تحصیل را آغاز کرد استاد برای اینکه او را بسنجد جمله ساده ای را، از فقه شافعی به او تعلیم داد: "پوست سگ با دباغی پاک می شود" اما سکاکی اینطور حفظش کرده بود: «سگ گفت: پوست استاد با دباغی پاک می شود» استاد، او را اخراج کرد، سکاکی نا امید به صحرا رفت و مشاهده کرد؟ قطره قطره آب سنگی را سوراخ کرد با خودش گفت: هرگز روح و دل من از سنگ سخت تر نمی باشد و به شهر بازگشته و مشغول تحصیل شد، او یکی از نوابغ ادبیات عرب شد. ۶- مشورت: مشورت، یعنی استفاده از تجربیات، علم و دانش دیگران برای رسیدن به موفقیت و پیروزی در زندگی، البته نباید با هر کسی مشاوره کرد، حداقل، یک مشاور باید علم کافی، تجربه، عدالت و صداقت داشته باشد، در متون دینی ما بسیار به مشورت ارج نهاده شده است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «لَا ظَهْرَ كَالْمُشَاوَرَةِ» ترجمه: هیچی، پشتیبانی مثل مشاوره نیست. ۷- نظم و برنامه ریزی: نظم و برنامه ریزی در دین ما در کنار تقوا و ترس از خدا ذکر شده است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم....» ۱ ترجمه: سفارش می کنم، شما را به پرهیزکاری و نظم در امورتان ".... در روایات آمده است خانه ای که نظم و برنامه ندارد، مانند ویرانه ای است که افرادی در آن مشغول گذران عمر هستند و چه زشت و ناپسند است که در خانه و خانواده نظم و برنامه ریزی وجود نداشته باشد و کارها به صورت روزانه و مقطعی انجام شود در حالی که در متون دینی ما مسلمانان، به نظم و برنامه ریزی سفارشات زیادی شده است. در روایات آمده، مسلمان باید اوقات شبانه روزی خود را چهار بخش کند: حضرت کاظم (علیه السلام) فرمودند: «اجتهدوا فی أن یکونَ زمانُکم اربعَ ساعاتٍ ساعَةً لِمَنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِمَرِّ الْمَعَاشِ وَ

سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَ ۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸. ترجمه: کوشش کنید بر اینکه زندگی روزمره خود را چهار قسمت کنید: (۱) قسمتی برای پرستش و راز و نیاز با خدای سبحان. (۲) قسمتی برای امرار معاش و تامین هزینه های زندگی. (۳) قسمتی برای همنشینی با مومنان و کسانی که مورد اطمینان هستند و عیوب و زشتیهای شما را برایتان بازگو می کنند و در دوستی با شما خالص هستند. (۴) قسمتی برای استفاده از لذات مشروع نفسانی و با این قسمت چهارم، قدرت بر انجام سه قسمت دیگر می یابید. قطعاً کودکی و نوجوانی و جوانی و میانسالی و کهنسالی پنج مقطع حساس هستند که باید برای همه آنها برنامه ریزی کرد و اگر فردی فاقد خانواده منسجم و خوب بود باید خودش برای خودش برنامه ریزی و نظم ایجاد کند، تا در زندگی موفق و پیروز گردد. ۸- خود باوری: ایمان داشتن به توانایی هایی که خداوند در وجود ما قرار داده است و اینکه اگر علاقه و میل به کارهایی را داریم قطعاً قدرت انجام آن را هم داریم. کسیکه خود باوری ندارد خود را همیشه بیچاره و ضعیف می پندارد در حالی که اینچنین نیست که کسی در هیچ کاری موفق و پیروز نباشد. برای تقویت خود باوری به موارد زیر توجه کنید: (۱) از شکست نترسید و بدانید، هر شکستی قدمی به سوی پیروزی است. (۲) سستی و تنبلی نکنید چون قطعاً پشیمان می شوید. (۳) انرژی خود را به طور کامل تخلیه نکنید تفریحی توام با کار باشد. ۱. طرائف الحکم، ج ۲، ص ۱۷ و تحف العقول عن آل الرسول: ص ۴۱۰. يَخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعِيَهُ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مَحْرَمٍ وَ يَهْدِيهِ السَّاعِيَةُ تَقْدُرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتِ ۱ (۴) بدبینی نداشته باشید که فکر شما را مشغول می کند. (۵) به خدا توکل کنید، او بسیار مهربان است. (۶) از خود ضعف نشان ندهید، ضعف قدم اول شکست است. (۷) فوراً به پزشک مراجعه نکنید با تلقین سلامتی خود را درمان کنید. (۸) چیزی را فوری قبول یا رد نکنید در هر گفته ای اندیشه کنید. (۹) موفقیت‌های خود را ثبت کنید مثلاً، آنها را بنویسید. (۱۰) از کلمه " نمی دانم " به راحتی استفاده کنید. (۱۱) از کلمه " نمی توانم " زود استفاده نکنید. (۱۲) همیشه از کارهای کوچک شروع کنید.

### عوامل خیالی موفقیت و پیروزی

برخی در زندگی به عواملی برای موفقیت و پیروزی معتقد هستند، که اصلاً وجود خارجی ندارد و اگر هم داشته باشد در صدی غیر قابل توجه است این عوامل خیالی هستند، لذا هیچی عاقلی به آنها دلخوش نمی کند. چند عامل خیالی: ۱- معجزه: برخی تصور می کنند باید یک شبه به اوج رسید و همیشه منتظر یک واقعه هستند که آنها را یک شبه به همه چیز برساند در حالی که از هیچ چیز پند نمی گیرند و عبرتهایی را که در طول شبانه روز می بینند، فراموش می کنند، لذا بدون زحمت و کار و کوشش، موفقیت و پیروزی را جستجو می کنند در حالی که بدون کار و کوشش امکان دسترسی به موفقیت و پیروزی نیست. مثال: سقوط تصادفی سیب نیوتن را متوجه جاذبه زمین ساخت، چرا دیگران را که بارها این صحنه را دیده اند متوجه چیزی نساخت؟ سؤال: آیا صحیح است، نوجوان و جوان امروزی که این همه امکانات علمی، کتابخانه ای و ابزاری چون کامپیوتر و اینترنت دارد، بی کار و بی عار به فکر معجزه باشد؟! در سرتاسر این مملکت به فضل الهی اساتید و بزرگان بسیاری هستند، که می توانند از نوجوانان و جوانان دستگیری کنند. گذشته از این در روایات ۱ داریم که از جوان سؤال می شود " جوانی خود را در چه راهی صرف کردی؟ البته اگر پاسخی برای خودش در محکمه وجدان نداشته باشد در همین دنیا هم سرافکنده است تا چه رسد به آخرت!! ۲- شانس: برخی همیشه این جملات را تکرار می کنند: " خوش به حال فلانی شانس آورده " و " والله مردم هم شانس دارن " و.. مردان و زنان بزرگ و موفق تاریخ، هرگز اعتقادی به طالع، فال، شانس، کف بینی، فال قهوه، فال... نداشته و ندارند. به چند مثال توجه کنید: (۱) آیا زنان نازا باید به پزشک متخصص مراجعه کنند یا به طلسم و جادو؟ (۲) آیا گره زدن علفها در سیزده بدر (دروغین) تا به حال، هیچ دردی را از کسی درمان کرده است؟ (۳) دزدی که مرتکب دزدی شده و به ده سال زندان محکوم بود، به در و دیوار زندان می نوشت: کوب بخت مراهبچ منجم نشناخت یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم این دزد کم سواد یا بی سواد هرگز منظور

شاعر را درک نکرده است، لذا باید به این بیچاره گفت: ۱. بحار الانوار، ج ۶: ص ۲۷۶. نکوهشی مکن، چرخ نیلوفری را تو خود چون کنی، اختر خویش را بد برون کن زسر، باد خیره سری را مدار از فلک، چشم نیک اختری را در برخی از کشورهای غربی به قدری دچار توهم هستند که شماره پلاک ۱۳ ندارند یا در برخی از هتلها طبقه ۱۳ ندارند حتی در سازمان ملل، طبقه ۱۲ بعدش ۱۴ است نه ۱۳ و طبقه ۱۳ اصلاً وجود ندارد و در حقیقت طبقه ۱۳ همان ۱۴ است، چون تصور می کنند در طبقه ۱۳ شانس وجود ندارد در حالی که همه می دانند "عدد ۱۳ تقصیری ندارد. ۳- سرنوشت به معنای غلط: سرنوشت را ما خودمان برای خودمان درست می کنیم نه کسی دیگر، ولی ساده لوحان برای فرار از اشتباهات خویش همه چیز را به گردن سرنوشت می اندازند. به قول مولوی: این که گویی این کنم، یا آن کنم دلیل اختیار است ای صنم سرنوشت به دست ماست و این ما هستیم که خود را بدبخت یا خوشبخت می کنیم. ۴- بزرگ زادگی و ثروت موروثی: برخی می گویند: بدبختی و خوشبختی انسان، بستگی به ثروت و بزرگ زادگی او دارد، اگر خانواده کسی ثروتمند باشد حتماً سعادتمند و موفق است و الا بدبخت می شود و همچنین بزرگ زادگی را دلیل بر پیروزی و موفقیت می دانند. ما منکر تاثیر عواملی چون بزرگ زادگی و ثروت در برخی از موارد نیستیم و قطعاً اگر کسی از ثروت و موقعیت خانوادگی خود به خوبی استفاده کند به هدف نزدیک تر است، ولی عملاً انسانهای موفق و به ویژه انبیاء و اولیای الهی از طبقه پائین و محروم جامعه بوده اند. بزرگان گفته اند: "فقر و سختی ها در شرایط خاص گهواره نبوغ هستند" (چند مثال: ۱) ابوتمام: یکی از بزرگترین شعرای عرب در خانواده فقیر به دنیا آمد. ۲) یاقوت حموی: نویسنده "معجم البلدان" بزرگترین کتاب جغرافیائی اسلام، برده و خدمتگذار بوده است. ۳) امیر کبیر یک آشپز زاده بوده است. ۴) آندرو جکسن: رئیس جمهور سابق امریکا به عقل و تدبیر معروف بوده است وی در نطق مفصلی دوران زندگی خود را از شغل خیاطی تا رئیس جمهوری تشریحی کرده است و از خیاط بودن خود هرگز احساس حقارت نمی کند بلکه خود را شخصی موفق در شغل خیاطی می داند. یک بیت عربی پر مغز و زیبا: «ان الشباب و الفرغ و الجده مفسده للمراء ای المفسده» ترجمه: جوانی و بیکاری و ثروت، مایه تباهی انسان است و چه مایه تباهی بد و زشتی.

### موانع اصلی موفقیت و پیروزی

آنچه در عوامل درونی و فردی موفقیت گفتیم در صورت فقدان و نداشتن باعث شکست و ناکامی در زندگی است لذا جایی برای توضیح زیاد نیست به چند عامل عمده فقط اشاره می کنیم: ۱- جهل و نادانی نسبت به خویش و جهان هستی و خدای سبحان. ۲- عدم تطبیق استعداد و ذوق با شغل و تحصیل. ۳- تنبلی و سستی و عادت به بی کاری. ۴- خود رایی و عدم مشورت با متخصصین و بسنده کردن به درد دل کردن با افراد همسطح و نا اگاه. ۵- آشفته‌گی و بی برنامه‌گی در زندگی فردی و خانواده. ۶- زود رنجی و بدبینی به همه چیز و همه کس. ۷- پند و عبرت نگرفتن از هزاران حادثه ای که در اطراف ما در حال وقوع است.

### خلاصه درس در چند نکته

۱- پیروزی و موفقیت در زندگی مقدمه سعادت اخروی می باشد. لذا باید به پیروزی و موفقیت بیندیشیم و عوامل آنها را اجرا و موانع آنها را ترک کنیم. ۲- عوامل پیروزی و موفقیت در یک تقسیم به درونی و بیرونی تقسیم می شوند. ۳- عوامل بیرونی مانند محیط و وراثت برای شخص، غیر قابل کنترل است و یا امکان کنترل آنها بسیار کم است، اما نقش عمده در موفقیت و پیروزی را عوامل درونی دارد. ۴- عوامل درونی یا فردی بسیار است از جمله خودشناسی، توجه به ذوق و استعداد، کار و کوشش، شروع از کارهای کوچک، استقامت و پشتکار، مشورت، نظم و برنامه ریزی و خودباوری از مهمترین آنها است. ۵- برخی از عوامل پیروزی و موفقیت خیالی و توهمی است از جمله؛ انتظار معجزه، شانس، اقبال، سرنوشت، بزرگ زادگی و ثروت خانوادگی از مهمترین آنها

است. ۶- موانع اصلی پیروزی و موفقیت: جهل و نادانی، عدم تطبیق استعداد با کار و تحصیل، تنبلی و سستی، بی حوصلگی، غرور و عدم مشورت، آشفتگی و بی نظمی، زودرنجی، بدبینی، پند نگرستن از عبرت‌ها، از مهمترین آنها است.

### سوالات درس

۱- موفقیت و پیروزی در زندگی چیست؟ ۲- عوامل پیروزی و موفقیت چگونه تقسیم می‌شوند؟ ۳- عوامل بیرونی (غیر قابل کنترل) پیروزی و موفقیت کدام است؟ ۴- عوامل درونی (قابل کنترل) پیروزی و موفقیت کدام است؟ ۵- عوامل موهوم و خیالی پیروزی و موفقیت چیست؟ ۶- موانع اصلی پیروزی و موفقیت چیست؟

### برای مطالعه بیشتر

۱- روایات اهل بیت علیهم السلام در کتبی مانند: مجموعه میزان الحکمه، آثار الصادقین و... در موضوع خودشناسی، کار و کوشش، نظم و انضباط، همت و... ۲- رمز پیروزی مردان بزرگ، جعفر سبحانی، قم، انتشارات توحید ۳- کتابهایی با عنوان مهارتهای زندگی ۴- برخی از امثال و حکم فارسی، ضرب المثلهایی که بسیار حکیمانه گفته شده است. ۵- کلید خوشبختی، صادق حسن زاده ۶- هفت عادت مردان موثر، استفان کاوی ۷- به سوی کامیابی، آنتونی رابینز

### درس هفتم: حجاب

#### تعریف حجاب

در لغت حجاب به معنای روپوش و نقاب است ۱ و منظور همان پوشش می باشد. در اصطلاح و محاوره عرف دینی، منظور از حجاب: پوشش زن است به طوری که بدن به غیر از صورت و دستها تا میج مخفی باشد. البته باید این پوشش تنگ و بدن نما نباشد و الا غرض پوشش از آن حاصل نخواهد شد و تبدیل به خودنمایی می شود.

#### تاریخچه حجاب و پوشش

حجاب و پوشش مخصوص دوران پس از انقلاب اسلامی و یا تنها مخصوص دین اسلام و حتی ادیان الهی نمی باشد و البته شکل کامل آن در اسلام عرضه شده است قرآن کریم که برترین مستند ما مسلمانان محسوب می شود در داستان آدم و حواء در دو سوره اعراف و طه اشاره به پوشش آنها در بهشت می کند. در سوره اعراف می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ أَتَهُمَا إِنَّهُ يَرَئُكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَمَّا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» ۱ ترجمه: ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند! در سوره طه می فرماید: «فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا دَمْدَمَ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَفَلَكَ لَا يَبْلَى فَاكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» ۲ ترجمه: ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: "ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم"؟! سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت)، و عورتشان اشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او

محروم شد! در روایات می خوانیم که بعد از آنکه آدم و حوا به زمین هبوط کردند، برهنه بودند خداوند امر کرد تا قوچی را ذبح کنند، سپس حواء پشم آن را رشت و با یاری آدم از تائیده های آن، یک جامه بلند برای همسرش و یک پیراهن و روسری برای خودش بافت و به این صورت اولین انسانهای زمینی با حجاب گردیدند. ۳. لذا می توان آغاز حجاب و پوشش را از زمان آغاز زندگانی انسانها بر ۱۰۱ عر اف: ۲۷. ۲. طه: ۱۲۰، ۱۲۱. ۳. حجاب در اسلام، ص ۶۰-۶۱- روی زمین دانست. در تورات و انجیل فعلی با آن همه تحریفات موجود در آنها، به موضوع حجاب و پاکدامنی زن و دوری او از هرگونه عشوه گری و نازیدن جز در برابر همسر اشاره شده است. ویل دورانت می نویسد: در قرون وسطی یهودیان، همچنان زنان خویش را با لباسهای فاخر می آراستند کسی به آنها اجازه نمی داد که با سرعریان به میان مردان بروند، نپوشاندن موی سر گناه بود و مرتکب آن مستوجب طلاق می شد، از جمله تعالیم شرع یکی ان بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست دست به درگاه خدا بردارد. ۱ نقوش به جا مانده از اقوام گذشته نشان می دهد زنان آنها دارای حجاب و پوشش بودند. ساسانیان و اشکانیان و برهمنیان و بودائیان و بسیاری از اقوام گذشته دارای اصل حجاب و پوشش بوده اند؛ البته نوع و اجرای آن نزد آنان متفاوت بوده است ولی اصل پوشش و حجاب یک مساله فطری و ذاتی برای زنان تلقی می شده است. اما همانطور که اشاره شد اسلام برترین و بالاترین نوع حجاب را به صورت کامل تشریح کرده است و اصل حجاب در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) به طور صریح آمده است.

### نظر برخی از دانشمندان و هنرمندان غیر مسلمان

توصیه چارلی چاپلین به دخترش "برهنگی بیماری عصر ماست و من پیرم، شاید حرفهای خنده اور می زنم، اما به گمان من، تن عریان تو، باید مال کسی باشد، که روح عریانش را دوست داری." ۱. تاریخ تمدن: ج ۱۲، ص ۶۲. آخرین تصویر چارلی، ص ۷۹. خانم گاندی "ای زنان! اگر آرایش کردن شما تنها به منظور جلب شهوت مردان است، از این کار خودداری کنید و زیر بار چنین خفت و خواری نروید." ۱ برتراند راسل "از لحاظ هنر مایه تاسف است که به آسانی بتوان به زنان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیر ممکن باشد." ۲ ویل دورانت "آنچه بجویم و نیاییم عزیز و گرانبها می گردد، زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقتناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می گردد. خودداری از انبساط و امساک در بدل و بخشش، بهترین سلاح برای شکار مردان است، اگر اعضای نهایی انسان را در معرض عام تشریح می کردند، توجه ما به آن جلب می شد، ولی رغبت و قصد، به ندرت تحریک می گشت. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی آنکه بداند، حس می کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می دهد." ۳

### حجاب از دیدگاه اسلام

الف) آیات قرآن؛ به صورت صریح بر لزوم حجاب زنان دلالت دارد: در این آیه علاوه بر اصل حجاب به استثنائات حجاب و پوشش هم اشاره شده است: « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ ۱. ر. ك: جوانان چرا؟ ۲. مساله حجاب، ص ۵۵. ۴. مساله حجاب، ص ۵۲ إِلَّا لِيُظَاهِرْنَ أَوْ أَيْبَأَهُنَّ أَوْ أَيْبَاءَهُنَّ أَوْ ابْنَائَهُنَّ أَوْ ابْنَاءَهُنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائَهُنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِلَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ " ۱ ترجمه: و (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو: چشمهای خود را (از نگاه هوس الود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- اشکار نمایند و (اطراف) روسری



و ارتباط با خدای سبحان است و کسیکه در این مسیر قدمی بر نمی دارد ابدیت خود را ضایع و خراب کرده است، بدتر از اینها کسانی هستند که به پیروی و تقلید از فاسقان و فاجران برخاسته اند و بوقلمون صفت راه آنها را بدون دلیل و کورکورانه می پیمایند، و این تقلید بسیار نامبارک است. مولوی چه خوش گفته: خلق را تقلیدشان برباد داد ای دوصد لعنت بر این تقلید باد ۴- دوستان ناباب و نامناسب: بسیاری از اعمال و رفتار انسان سرچشمه اش از دوستی ها و نشست و برخاست ها می باشد، لذا ممکن است کسی که دوستی بی تقوا دارد، کم کم به طور مسری ضعف اعتقادی پیدا کند گرچه دارای خانواده ای خوب و متدین باشد. به قول سعدی خوش سخن: پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم گشت ۵- خود باختگی و احساس ضعف و پستی: برخی گمان می کنند، هرکس ماشین یا خانه مجللی دارد بسیار بزرگ و جلیل القدر است. و در مقابل هر که فاقد آنهاست زبون، پست و بی مقدار است، ریشه این افکار در محبت دنیا و غفلت از آخرت است، در نتیجه هر کاری که مورد رضایت ثروتمندان تبهکار است، برایش خوشایند و زیبا می شود و آنچه برخلاف فکر و نظر آنهاست پست و بی مقدار می شود و چون در خود احساس پستی و زبونی می کند دچار خودباختگی می شود و مثلاً- حجاب را، چیزی بسیار بد و ناشایست می داند و حاضر به رعایت آن نمی باشد، چون خود را باخته و احساس ضعف و پستی می کند.

### مهمترین فوائد حجاب و پوشی

حجاب دارای فوائد و منافع زیادی می باشد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: ۱) نزدیکی به خداوند و معنویت: زنی که حجاب دارد معمولاً دارای معنویت بیشتری است، چون حجاب، نشانه پاکدامنی و طهارت روح است و مسلماً طهارت روح و پاکدامنی باعث نزدیکی به خداوند و معنویت بیشتر می شود. ۲) آرامش روحی و روانی: فروکش کردن مسائل غیرطبیعی چون مدگرایی، خیابان گردی و تشویش و اضطراب، باعث آرامش روحی و روانی است و هر چه زن خود را با مسائل مزبور نزدیک کند به تشویش و اضطرابش افزوده خواهد شد و بالعکس هر مقدار از مسائل مزبور فاصله بگیرد آرامش روحی و روانی افزوده خواهد شد. ۳) استحکام خانواده: یکی از ریشه های فساد خانواده، معمولاً- به عدم پاکدامنی برخی زنان باز می گردد. زن اگر عقیف و با حجاب باشد، غالباً می تواند همسر و فرزندانش را به همان سو رهنمون شود، لذا حجاب از این منظر، باعث استحکام خانواده می گردد. ۴) سلامت اقتصادی: قطعاً پوشش و حجاب از هزینه های بیهوده، مدگرایی و چشم هم چشمی خواهد کاست و سبب بهتر شدن اقتصاد خانواده می شود. ۵) ارزش پیدا کردن زن: به تصریح بسیاری از دانشمندان و اندیشمندان بزرگ دنیا، آنگاه زن حقیقت و ارزش خود را می یابد که پوشش و حجاب را برای خود لازم بدانند.

### مسئولیت پدر در مورد حجاب خانواده

در آیات و روایات اسلامی برای کمک به زن و رساندن او به مقام حقیقی و واقعیش و برای جلوگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی، وظایفی را برای مردان مسلمان، نسبت به حجاب زنان مشخص کرده اند، دلایل این وظایف دستورات خداوند و پیامبر و معصومان (علیهم السلام) است: الف) دستور قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحَيَاةُ عَلَيْهِمْ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَامٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»<sup>۱</sup> ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگها هستند، نگه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر می باشند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند! ب) روایات معصومین: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «يَا عَلِيُّ مَنْ اطَاعَ أَمْرَاتَهُ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ - فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا تِلْكَ الطَّاعِيَةُ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا ذَنْ فِي الدَّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنَّائِحَاتِ وَلُبْسِ ثِيَابِ

الرِّقَاق» ترجمه: ای علی هر کس پیروی زنش کند، خدا او را به صورت در آتش افکند، علی (علیه السلام) عرض کرد: این چه نوع پیروی است؟ فرمود: او را اجازه دهد (بدون پوشش مناسب) به گرمابه ها برود و اجازه ی رفتن به مجالس جشن و عروسی (که در آنها بی بند و باری) می کنند را بدهد و (یا) اجازه پوشیدن لباس بدن نما دهد. ۱. تحریم: ۶.

### خلاصه درس در چند نکته

۱- حجاب در لغت به معنای پوشش، نقاب، روپوش و در اصطلاح به معنای پوشش مناسبی است که بدن زن را از دیدگان نامحرمان می پوشاند و البته برترین پوشش، چادری مناسب است. ۲- آغاز پوشش از زمان خلقت آدم و حوا بوده و پس از هبوط آنها حضرت حوا برای خود روسری تهیه کرده است و در تمامی ادیان و بسیاری از اقوام، نوعی حجاب و پوشش بوده است گرچه برترین نوع حجاب، در اسلام عرضه شده است. ۳- بسیاری از اندیشمندان و هنرمندان به نوعی از پوشش و حجاب زن معتقد بوده و هستند. ۴- آیات و روایات و فتاوی مراجع تقلید در مورد اصل حجاب، بسیار صریح و آشکار است. ۵- مهمترین علل بدحجابی عبارتند از: عدم آگاهی، کمبود روانی و عاطفی، تقلید کورکورانه، دوستان ناباب، خود باختگی. ۶- مهمترین فوائد حجاب عبارتند از: نزدیک شدن به خداوند مهربان، آرامش روحی و روانی، استحکام خانواده، سلامت اقتصادی خانواده، ارزشمندی زن. ۷- پدر (سرپرست خانواده) در مساله حجاب زنان وابسته به او تکلیف دارد و باید مراقب آنها باشد و به مراتب امر به معروف و نهی از منکر طبق آنچه در رساله های عملیه مراجع دینی آمده است عمل نماید، البته شفقت و مهربانی نباید فراموش شود. . بهترین تمرین حجاب در نماز است لذا اگر زن در نماز حتی یک تار مویش نمایان باشد، نمازش باطل است گرچه هیچ کس او را نمی بیند.

### سؤالات درس

۱- حجاب چیست؟ ۲- تاریخچه حجاب و پوشش به چه زمانی برمی گردد؟ ۳- آیا دانشمندان و هنرمندان غیر مسلمان در مورد حجاب و پوشش توصیه کرده اند؟ ۴- دیدگاه اسلام در مورد حجاب چیست؟ ۵- مهمترین علل بدحجابی چیست؟ ۶- مهمترین فوائد حجاب کدام است؟ ۷- آیا سرپرست خانواده (مرد) در مورد حجاب خانواده اش مسئولیتی دارد؟

### برای مطالعه بیشتر

۱- آنچه یک جوان باید بداند، ویژه دختران، رضا و بتول فرهادیان، قم، بوستان کتاب ۲- مساله حجاب، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا ۳- حجاب بیانگر شخصیت زن، محمد محمدی اشتهاردی ۴- دُر و صدف، مهدی شجاعی ۵- حجاب در ادیان الهی، محمدی آشتیانی ۶- فلسفه حجاب، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر ۷- فلسفه چادر، حجاب برتر، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر ۸- بهشت جوانان، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر ۹- مروارید عفاف، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبط اکبر ۱۰- حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی زاده، قم، موسسه بوستان کتاب ۱۱- پاسخهای استاد به نقدهائی بر: کتاب مساله حجاب، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا

### درس هشتم: نماز

#### نماز

نماز، یک تکلیف واجب الهی، مطابق با فطرت انسان می باشد. نماز، از سن تکلیف و البته با شرایط تکلیف، بر هر انسانی واجب



است. نماز برای همه مومنان فرض و واجب دانسته شده است<sup>۱۱</sup> به تعبیر نورانی قرآن کریم: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا»<sup>۱</sup> ترجمه: نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مومنان است! نماز اولین فروع دین ماست و عاملی برای قبولی یا عدم قبول سایر اعمال در قیامت معرفی شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اومل ما يحاسب به العبد الصلوة فان قبلت قبل سائر عمله و اذا ردّت ردّ عليه سائر عمله»<sup>۲</sup> ترجمه: نخستین چیزی که بنده را برای آن مورد حساب قرار می دهند نماز است، اگر پذیرفته شد اعمال دیگرش نیز پذیرفته می شود و اگر پذیرفته نشد، اعمال دیگرش نیز پذیرفته نمی شود. تمثیل و شکل برزخی نماز، در قبر و برزخ برای انسان تجلی می کند چنانکه در روایات به آن اشاره شده است و در مباحث آینده به آن می پردازیم. ۱. نساء: ۱۰۳. ۲۰. الوسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲.

## چند سؤال و جواب

۱- آیا خدا به نماز ما احتیاج دارد؟ پاسخ: خیر، احتیاج ندارد، نماز کمال ماست، نه خدا. ۲- چرا باید تشکر از خدا، حتماً به صورت نماز باشد؟ پاسخ: چون ما بنده خدا هستیم، لذا راه تشکر را باید او به ما بیاموزد. ۳- در میان انبوه کارها، تشکر امکان ندارد؟ پاسخ: ما برای کار، آفریده نشده ایم، پس باید اوقات خود را مدیریت کنیم و بخشی را برای نماز بگذاریم.

## جایگاه نماز در ادیان آسمانی

چون حس پرستش، از امور فطری و خدادادی در انسانها می باشد. لذا برای پاسخ به این نیاز، در تمامی ادیان آسمانی، نماز تشریح شده است. وجود فطرت خداجویی و عبادت خواهی به خوبی از بازار گرم و متعدد نحله ها و فرقه هایی که اکنون در سطح دنیا وجود دارند هویدا است و درست به دلیل همین نیاز فطری به پرستش است که گروههای منحرف توانسته اند اینطور در بین مردم دنیا نفوذ کنند. لذا نه تنها اسلام بلکه همه ادیان، نیاز به عبادت داشتن بشر را مد نظر داشته اند، و نماز را برای این منظور در برنامه انسان کامل گنجانده اند. پس نماز مختص دین اسلام نمی باشد.

## آثار و فوائد نماز

آثار و فوائد نماز بسیار است اما آنچه با توجه به نیاز مخاطبان باید ذکر شود، مورد توجه است. بسیاری از افراد بدکار و منحرف پس از آنکه مدتی آغاز به نماز خواندن کرده اند از اعمال زشت خود دست برداشته و توبه نموده اند و حتی برخی به مقامات والای انسانی رسیده اند. داستان فضیل عیاض، که دزد سرگردنه بوده، معروف است او پس از توبه و اقامه نماز به مقامات والای انسانی رسید. معصومین (علیهم السلام) نماز را باعث ترک گناهای، چون: دزدی، اعمال منافی با عفت و... می دانند. «وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِالنَّهَارِ وَيَسْرِقُ بِاللَّيْلِ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ صِلْمَاتَهُ لَتَرَدَّعُهُ» ترجمه: به پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) گفته شد؛ فلانی در روز نماز گزار است و در شب به دزدی می پردازد، حضرت فرمودند: نمازش او را باز خواهد داشت. آرامش روحی و روانی در پرتو نماز شکل می گیرد و نماز است که برترین عامل آرامش و سکون جان انسان می باشد. قرآن کریم چه زیبا به این مطلب، اشاره کرده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۱</sup> ترجمه: آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد! نماز بالاترین یاد خدا می باشد و یاد خدا، تنها عامل برای آرامش دلهای انسانها می باشد. ۱. رعد: ۲۸. قرنی که ما در آن زندگی می کنیم، قرن اضطراب و استرس های فراوان است و انسانهای این قرن به آرامش روح و روان نیازمندتر از غذای جسم و بدن هستند؛ به همین دلیل، نقش نماز و نیایش با پروردگار، بر هر انسان عاقلی، کاملاً روشن است. بزرگان با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) گفته اند<sup>۱۱</sup>: هیچکس در هیچ شرایطی، نباید نماز را رها

کند، چرا که نیازمندی انسان به خدا هرگز تمام نمی‌شود و مسلمان گرچه گناهای را مرتکب شود ولی هرگز از خدای بخشنده و مهربان ناامید نمی‌شود چون گناه ناامیدی بالاتر از هر گناه دیگر است، و همچنین نباید از خدا قهر کرد، چون خداوند حکیم و شکست‌ناپذیر است."

## احکام نماز

شکل ظاهری نماز، دارای یک قواعد و احکام خاص فقهی است، که در رساله‌های توضیح المسائل مراجع دینی آمده است. به مقداری از احکام مهم فقهی نماز به عنوان نمونه توجه کنید: نماز دارای ۱۱ واجب است که ۵ واجب آن رکن و ۶ واجب دیگر غیررکن می‌باشد و باقی اعمال نماز مستحب ۱ است. فرق رکن و غیررکن: واجبات رکنی: رکن یعنی؛ ستون، اگر در نماز به این ارکان اشکالی وارد شود، حتی در صورت سهو و اشتباه، نماز باطل می‌شود، لذا باید نماز را تکرار کرد. پنج رکن نماز عبارتند از: نیت، تکبیر، ایستادن، قیام متصل به رکوع، رکوع، دو سجده. واجبات غیر رکنی: این واجبات تنها در صورت ترک یا اخلاص عمدی، باعث بطلان نماز است نه سهو و اشتباه. ۱۰۱ انجامش خوب است. ۲. گفتن الله اکبر. واجبات غیر رکنی عبارتند از: قرائت، تشهد، سلام، ترتیب، موالات، ذکر. اجزای دیگر نماز غیر از واجبات یازده گانه فوق، مستحب می‌باشند، مانند قنوت، گفتن ذکرهایی، مانند: سمع الله لمن حمده، بحول الله قوته اقوم و اقعده. نماز گزار با آموزش این احکام می‌تواند نمازی صحیح از نظر فقهی انجام دهد و البته باید برای آگاهی بیشتر علاوه بر تقلید یعنی مراجعه به متخصص علم فقه، فتوای مرجع مورد نظرش را در رساله عملیه، به دقت مطالعه کند.

## آداب نماز

از احکام نماز که بگذریم، نوبت آداب نماز است و چون نماز دانشگاهی بزرگ برای عبودیت خدای مهربان است، لذا هر کسی نماز برتری دارد مقام والاتری دارد. از مجموعه دستوراتی که در مورد آداب قرائت، رکوع، سجود و... در کتب علمای بزرگ آمده است، "آداب نماز" تعبیر می‌شود. مثالی از آداب نماز، از کتاب بسیار گرانقدر آداب نماز امام خمینی (ره): «بدان که شهادت ۱ به وحدانیت و رسالت در اذان و اقامه که از متعلقات نماز و مهمات ورود در آن است و در تشهد که خروج از فناء به بقاء و از وحدت به کثرت و در آخر نماز است، عبد سالک را متذکر کند که حقیقت صلوة حصول توحید حقیقی و شهادت به وحدانیت از مقامات شامله است که با سالک از اول تا آخر آن است.» ۴ البته این راه، عالم ربانی می‌خواهد که باید از خدا خواست تا استادی عنایت کند. هر که گیرد پیشه ای بی اوستا ریشخندی شده شهروروستا هیچ کس بی اوستا چیزی نشد هیچ آهن خنجر تیزی نشد ۳ ۱. گواهی و اعتراف کردن. ۴. آداب نماز، امام خمینی، ص ۳۶۲. ۳. مثنوی معنوی.

## اسرار نماز

پس از آداب نماز مرتبه بالاتری به نام اسرار نماز است، اسرار نماز بالاترین مرتبه نماز است، یعنی جنبه سرّی آن و بزرگان اهل معرفت در این باب کتبی را نوشته‌اند، که حتماً باید از استادی کارآموده و متخصص در این فن که خودش مودب به آداب الهی و متصف به صفات رحمانی باشد، مدد جست. طی این مرحله بی‌همری خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی ۱ بزرگان گفته‌اند: "اسرار نماز چشیدنی است نه دانستنی."

## عوامل حضور قلب در نماز

عواملی بسیاری در حضور قلب، موثر است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم: ۱- اهمیت دادن به نماز: مانند؛ خواندن نماز در اولین وقت. عارف بزرگ، ملکی تبریزی می‌گوید: «حضور قلب سبب همت آدمی است زیرا قلب تابع همت است و اگر همت باشد قلب هم نزد نماز حاضر است و اگر همت در پی چیز دیگری بوده است، قلبت غافل از نماز و نزد آن چیز خواهد بود.» ۲- ۲- دقت در شرائط و احکام نماز: قطعاً کسی که در شرائط و احکام نماز دقت دارد به اهمیت آن پی برده است. ۳- شناخت و آگاهی نسبت به خدای سبحان: هر مقدار انسان خدا را بشناسد متوجه بزرگی و عظمت خداوند خواهد شد، لذا به فقر و نیاز خود در برابر آن زیبای مطلق اعتراف خواهد کرد. ۱. حافظ شیرازی. ۰۴ اسرار الصلاة، ترجمه رضازاده، ص ۳۰۱. ۴- احساس نیاز همیشگی: نیاز انسان به خدا فقط برای این دنیا نیست، بلکه برای همیشه انسان محتاج خداست. ۵- آمادگی و مرتب کردن فکر، قبل از نماز: اگر کسی به اهمیت نماز پی برد، قبل از آغاز نماز، خود برای نماز آماده و فکر خود را مرتب می‌کند. ۶- قراردادن وقت خاصی برای نماز در طول شبانه روز: ما معمولاً برای هر کاری وقتی را تعیین می‌کنیم مگر نماز، آیا مناجات و خلوت با خدا سربار زندگی ماست؟ ۷- یاد مرگ و اینکه شاید این آخرین نماز باشد: در روایت به ما سفارش کرده اند؛ نمازهایتان را طوری بخوانید که گویا نماز آخرتان است و واقعا هر نمازی، نماز آخر انسان، در آن وقت است و نمازهای دیگر غیر آن می‌باشد. ۸- توجه به معانی نماز: در نماز بالاترین عبارات گنجانده شده است؛ که هر کدام انسان عاقل را به دنیایی از معرفت می‌رساند، لذا باید به آنها توجه کنیم، تا بهتر نماز بخوانیم. ۹- خواندن تعقیبات و نافله‌های نماز: تعقیبات و خصوصاً نافله‌ها نقش مکملی و متممی نماز را دارند آنها را از دست ندهیم. بزرگان گفته‌اند: «مستحبات را به شرط نشاط و شادابی انجام دهید» لذا اگر کسی تازه نماز را شروع کرده یا برای مستحبات نشاط و شادابی ندارد باید به واجبات نماز بسنده کند چون ممکن است نفس از عبادت رنجیده گردد و به کلی آن را رها کند.

### عوامل غفلت و حواس پرتی در نماز

غفلت و حواس پرتی نتیجه توجه نکردن به عوامل حواس جمعی و حضور قلب در نماز است، عمده ترین عوامل حواس پرتی: ۱- هرزگی خیال ۲- جهل و نادانی ۳- دنیازدگی و تجمل گرایی ۴- وسواس در قرائت، پاکی و نجاست ۵- گناه ۶- بیهوده گویی ۷- خود نمایی ۸- عادت شدن نماز

### مهمترین، علل ترک نماز

علت اصلی ترک نماز، ریشه در عدم اعتقاد و ایمان به خدا دارد، البته علل زیر نیز از مهم ترین دلایل، ترک نماز محسوب می‌شوند: ۱- عدم آشنایی و جهل نسبت به حقیقت نماز ۲- احساس تحجر و عقب ماندگی ۳- تنبلی و تن پروری ۴- ناامیدی از رحمت خدا به خاطر گناه ۵- خانواده و دوستان بد ۶- جامعه و محیط فاسد ۷- برخوردهای نامناسب افراد مذهبی

### عواقب سهل انگاری و ترک نماز

در روایات معصومین (علیهم السلام) عواقب و عذابهای اخروی، به جهت ترک و سهل انگاری در نماز آمده است: (۱) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ» ۱ ترجمه: از من نیست، هر کس نماز خود را سبک بشمارد. ۱. الکافی: ج ۳، ص ۲۶۹ (۲) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «مَيَّا بَيْنَ الْمَسْلِمِ وَبَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَنْهَوْنَ بِهَا فَلَا يَصِيحُّ لِيَّهَا» ۱ ترجمه: میان مسلمان و کافر، فاصله ای جز ترک نماز واجب به صورت عمدی یا سبک شمردنش، نیست. (۳) حدیثی از امام صادق (علیه السلام): «وَسَيُثَلَّ مَا بَالُ الزَّانِي لَا تَسْمِيهِ كَافِرًا وَتَارِكُ الصَّلَاةِ قَدْ تَسْمِيهِ كَافِرًا وَمَا

الْحُجَّةُ فِي ذَلِكَ قَالَ لَأَنَّ الزَّانِيَ وَمَا اشْبَهَهُ إِنَّمَا يَعْمَلُ ذَلِكَ لِمَكَانِ الشَّهْوَةِ لِأَنَّهَا تَغْلِبُهُ وَتَارِكُ الصَّلَاةِ لَا يَثْرُكُهَا إِلَّا اسْتِخْفَافًا بِهَا وَذَلِكَ لَأَنَّكَ لَا تَجِدُ الزَّانِيَ الَّذِي يَأْتِي الْمَرْأَةَ إِلَّا وَهُوَ مُسْتَلِدٌّ لِأَيَّهَا قَاصِدًا إِلَيْهَا وَكُلُّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ قَاصِدًا لِتَرْكِهَا فَلَيْسَ يَكُونُ قَضْدَهُ لِتَرْكِهَا اللَّذَّةُ فَإِذَا انْتَفَتِ اللَّذَّةُ وَقَعَ الْإِسْتِخْفَافُ وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْتِخْفَافُ وَقَعَ الْكُفْرُ قِيلَ مَا الْفَرْقُ بَيْنَ الْكُفْرِ إِلَى مَنْ أَتَى امْرَأَةً فَرَنَى بِهَا أَوْ حَمْرًا فَشَرِبَهَا وَبَيْنَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ حَتَّى لَا يَكُونَ الزَّانِيَ وَشَارِبِ الْخَمْرِ مُسْتِخْفَفًا كَمَا اسْتِخْفَفَ تَارِكُ الصَّلَاةِ وَمَا الْحُجَّةُ فِي ذَلِكَ وَمَا الْعِلَّةُ الَّتِي تَفْرُقُ بَيْنَهُمَا قَالَ الْحُجَّةُ أَنَّ كُلَّ مَا ادْخَلْتَ أَنْتَ نَفْسَكَ فِيهِ وَلَمْ يَدْعَكَ إِلَيْهِ دَاعٍ وَلَمْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ شَهْوَةٌ مِثْلُ الزَّانَا وَشُرْبِ الْخَمْرِ وَأَنْتَ دَعَوْتَ نَفْسَكَ إِلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ وَلَيْسَ تَمَّ شَهْوَةٌ فَهِيَ الْإِسْتِخْفَافُ بِعَيْنِهِ فَهَذَا فَرْقٌ بَيْنَهُمَا» ۱۲. ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۴۷۵. ۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۳۹. ترجمه: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم، وقتی از آن سرور سؤال شد: چرا به زناکار، کافر نگفته ولی ترک کننده نماز را کافر خوانده است؟ آن حضرت فرمودند: زیرا زناکار و امثال او به خاطر شهوتی که بر آنها غالب شده مبادرت به این معصیت می کنند ولی تارک نماز، آن را ترک نکرده مگر صرفاً به خاطر خوار شمردن این عبادت الهی. توضیح اینکه: زناکار وقتی با زنی تماس پیدا می کند از این تماس لذت برده و قصدش تنها همین التذاذ است، اما تمام کسانی که نماز را ترک می کنند قصدشان فقط ترک و رها کردن آن می باشد و هیچ قصد لذتی از این ترک ندارند و وقتی لذت منتفی شد، مسلماً قصدشان فقط خوار شمردن می باشد و وقتی قصد سبک شمردن نماز بود، بدون شک حالت کفر در آنها پیدا شده و کفرشان ثابت می گردد. محضر مبارکش عرض شد: چه فرقی است بین کسی که به زنی نگاه کرده و با وی زنا نموده یا شراب می آشامد و بین کسی که نماز را ترک کند؟ و چرا زناکار و شراب خوار، مستخف محسوب نشده ولی تارک نماز، مستخف شمرده می شود، در نتیجه تارک نماز کافر است ولی آنها کافر نمی باشند!! دلیلش چیست؟ و علتی که آنها را از هم جدا می کند چه می باشد؟ حضرت در جواب فرمودند: دلیلش آن است که به طور کلی نفس را به هر چه وادار کنی که بدون لذت و شهوت کاری را انجام دهد، قطعاً انجام این فعل، سبک شمردن (حکم الهی) است، ولی اگر منشأ انجام کار شهوت و لذت باشد نظیر زنا و شرب خمر، سبک شمردن محسوب نمی شود، بنا براین وقتی نفس خود را وادار می کنی به ترک نماز بدون این که لذتی در کار باشد غیر از سبک شمردن منشأ دیگری برای این ترک نیست و همین دلیل فرق بین ترک نماز با عمل زنا و شراب خواری می باشد. تذکر: اعمال شنیع و زشتی چون؛ زنا و شراب خواری به تصریح آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) حرام و دارای عوقبت الهی می باشند، و آنچه ذکر شد دلیل زشتتر بودن بی نمازی از آنها است، نه اینکه، پناه بر خدا، گناهان بزرگی چون زنا و شراب خواری ساده انگاشته شوند.

### خلاصه درس در چند نکته

۱- نماز یک عبادت ویژه و مطابق فطرت انسان می باشد، لذا بر همه انسانها با شرائط تکلیف، واجب است. ۲- نماز در تمامی ادیان آسمانی وجود داشته است. ۳- فوائد و آثار نماز بسیار است، از جمله؛ بخشش گناهان، توفیق توبه، آرامش روحی و روانی از آنهاست. ۴- احکام، یعنی؛ قواعد فقهی نماز و آداب نماز مرحله ای است که نماز گزار سیر و سلوک معنوی می نماید و اسرار نماز مخصوص کسانی است که حقیقت نماز را چشیده و یافته اند. ۵- مهمترین، عوامل حضور قلب عبارتند از؛ اهمیت دادن به وقت نماز، دقت در شرائط نماز، شناخت و آگاهی به خداوند، احساس نیاز، آمادگی قبل از نماز، تعیین وقت نماز، نماز پایانی خواندن، توجه به معانی نماز، خواندن تعقیبات و نوافل. ۶- مهمترین، عوامل حواس پرتی و غفلت در نماز عبارتند از: هرزگی قوه خیال، جهل و نادانی، دنیازدگی، تجمل گرایی، وسواس، گناه، خودنمایی، عادت شدن نماز. ۷- مهمترین، عوامل ترک نماز، عبارتند از: جهل و نادانی به حقیقت نماز، احساس عقب ماندگی، تنبلی و تن پروری، ناامیدی از رحمت الهی به خاطر گناه، خانواده و دوستان نامناسب، جامعه و محیط فاسد، برخوردهای بد برخی از افراد مذهبی. ۸- عواقب، سهل انگاری و ترک نماز، بسیار نافرجام است از

جمله: از دست دادن شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام)، نسبت کافر داشتن در هنگام ترک عمدی نماز، ... ۹- بی نمازی، هیچ توجیهی ندارد، لذا به مرتکب برخی از گناهان مانند "زنا و شراب خواری، در روایات، کافر نگفته اند، ولی به بی نماز کافر گفته اند، چون زنا و شراب خواری گاهی به خاطر فوران شهوت و غریزه صورت می گیرد، البته زنا و شرابخواری از گناهان کبیره هستند و وعده عذاب قطعی در صورت عدم توبه دارند.

### سؤالات درس

۱- نماز چیست؟ و چه جایگاهی در دینداری دارد؟ ۲- آیا نماز در همه ادیان بوده یا مخصوص دین اسلام است؟ ۳- فوائد و آثار نماز چیست؟ ۴- احکام و آداب و اسرار نماز با هم چه تفاوتی دارند؟ ۵- عوامل حضور قلب در نماز چیست؟ ۶- عوامل غفلت و حواس پرتی در نماز چیست؟ ۷- عواقب سهل انگاری و ترک نماز چیست؟

### برای مطالعه بیشتر:

۱- رساله های توضیح المسائل مراجع تقلید ۲- آداب نماز، امام خمینی ۳- اسرار نماز، امام خمینی ۴- اسرار نماز، میرزا جواد ملکی تبریزی ۵- فلسفه نماز، اسدالله محمدی نیا، قم، انتشارات سبیط اکبر ۶- پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی ۷- از ژرفای نماز، مقام معظم رهبری ۸- رازهای نماز، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء

### درس نهم: جاودانگی انسان

#### جاودانگی انسان

جاودانگی واژه ای است مترادف با ابدی، همیشگی، ماندگار و نظائر آن، منظور از جاودانگی انسان، ابدیت او می باشد. در یک جمله، در این درس می خواهیم؟ مرگ و نیستی را از انسان نفی کنیم و در مورد حقیقت مرگ جسم او سخن بگوییم. با بیان جاودانگی انسان و پذیرش ابدیت او، ضرورت بسیاری از مطالب چون دینداری، عاقبت نگری، عاقبت بخیری و مانند آنها، برای انسان روشن می شود، چه اینکه عدم وجود ابدیت و یا ضرورت آن، انسان را به لا ابالی گری و پوچی و اباحه گری می اندازد و حتی ممکن است دست به خودکشی بزند. بحث جاودانگی انسان، یک بحث آکادمیک، خشک و نظری نمی باشد بلکه یک بحث کاربردی است که بسیاری از افکار، اعمال و اخلاقیات انسان را شکل می دهد و نقش محوری در اعمال و رفتار انسان با خود و دیگران دارد. شایستگی این بحث آنجا معلوم می شود که به منافع آن توجه شود.

#### انسان موجودی ابدی

گرچه اعتقاد ما مسلمانان در مورد ابدیت انسان بر آیات و روایات استوار است ولی باید بدانیم، برخی از علوم مخصوصا دو علم فلسفه و عرفان به طور ویژه و خاصی این مساله را ثابت کرده اند، گرچه ما در صدد اثبات جاودانگی بر مبنای فلسفه و عرفان نیستیم، ۱ اما باید بدانیم که این تنها یک مساله دینی نمی باشد، بلکه دین برای فهم راحت آن با رساترین و ساده ترین الفاظ ما را به آن راهنمایی کرده است و از ما خواسته تا با دقت کافی در مورد آن بیندیشیم و کارها و افکارمان را با توجه به آن ساماندهی کنیم. دلایل بر همیشگی بودن زندگانی آخرت بسیار است، قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ ذَاؤُ الْقَرَارِ» ۲ ترجمه: این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است و آخرت سرای همیشگی است! وجود عالم آخرت و دیدن پاداش ها و

مکافات ها خود دلیل روشنی بر ابدیت انسان است. لذا، قرآن کریم می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»<sup>۳</sup> ترجمه<sup>۱</sup>: پس هر کس به وزن ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را می بیند. و هر کس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می بیند<sup>۲</sup>. آیا فطرت انسان به عنوان برترین سند در درون انسان گواهی نمی دهد که از زوال و نابودی متنفر و منزجر است؟ عقل سلیم هم دلیلی بر مرگ و نیستی ندارد و از طرفی در روایات<sup>۴</sup> داریم خداوند مهربان، انسان را به آنچه می خواهد می رساند گرچه آن چیز سنگی بی ارزش باشد. و از آنجا که نیاز انسان انتهایی ندارد، ابدیت انسان فطری و عقلی اثبات می شود. به علاوه رها ساختن انسانهایی که پاداش و مکافات ندیده اند بر خلاف، حکمت الهی و ظلم در حق بندگان است در حالی که می دانیم خدای مهربان هرگز به هیچ کس ذره ای ظلم نمی کند. لذا اگر بتوانیم برای انسان، روح اثبات کنیم در حقیقت گامی به سوی اثبات ابدیت او برداشته ایم، علم با شواهد فراوانی، وجود روح را برای انسان اثبات کرده است، برخی از شواهد علمی: ۱- خاصیت واقع نمایی و احاطه به خارج، کار روح است نه سلول. ۲- وحدت شخصیت، علم می گوید "سلول های بدن حتی مغز هر ۷ سال، به طور کلی عوض می شوند. ۳- انطباق بزرگ و کوچک؛ انطباق خارج از سلول صورت می گیرد. ۴- اسپری تیسیم و ارتباط با ارواح؛ جابجائی اجسام و ظاهر شدن ارواح به صورت اشباح. ۵- هیپنوتیزم و خوابهای مغناطیسی؛ خوابهایی از گذشته دور و خوابهایی که از آینده خبر می دهند. ۶- تله پاتی و اعمال حیرت انگیز مرتاضان؛ مانند؛ نگه داشتن قطار با چشم. ۱. توجه داشته باشید آنچه تبیین می شود، عمدتاً چکیده و تلخیص آیات، روایات معصومین (علیهم السلام) و همچنین سالها تحصیل مولف در فلسفه و عرفان است. ۲. غافر: ۳۹. ۳. زلز ال ۷، ۸. ۴. امالی الصدوق، ص ۳۸۴، بشارة المصطفی، ص ۱۵۰، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱۶ به نقل از: الحکم الزاهرة با ترجمه النصارى، ص ۱۴۳.

## روح و بدن انسان

روح، اصل وجود انسان و بدن به عنوان ابزار روح است لذا روح، اصیل و همیشگی است ولی بدن، عارضی و موقت می باشد. می توان اینطور تشبیه کرد: نرم افزار: روح و جان سخت افزار: جسم و بدن گاهی از روح، تعبیر به نفس، جان و مانند آنها می شود، که همگی به حقیقت انسان بازمی گردند. از آنجا که در فرهنگ اسلامی و الهی ما مسلمانان، چند مقطع زندگی انسان تصویر شده است و انسان در همه مقاطع و نشئه ها باید زندگی کند، لذا انسان در همه عوالم، محتاج به بدن می باشد. چون سه نشئه و عالم پیش روی انسان است، لذا سه بدن نیاز است: ۱) بدنی عنصری برای زندگی دنیوی (۲) بدنی برزخی برای زندگی برزخی (۳) بدنی اخروی برای زندگی اخروی در همه این عرصه ها روح و جان انسان ثابت است و به عنوان نرم افزار نقش ایفا می کند و این بدن است که نقش سخت افزار را دارد و باید به تناسب عوالم تغییر کند.

## جنس بدنهای انسان

پس از آنکه به طور ساده، سه بدن برای انسان اثبات شد، حال باید ببینیم جنس این بدنها را چه چیزهایی تشکیل می دهند؟ بدن دنیوی: همین بدنی که اکنون داریم و به وسیله آن نوشته ها را می خوانیم و دیدنیها را می بینیم و حرکت می کنیم، از عنصر تشکیل شده است در علم شیمی تعداد عناصری که تاکنون بشر آن را کشف کرده، ذکر شده است، پس بدن دنیوی ما از آن عناصر تشکیل شده است، عناصری چون: فسفر، گوگرد، منیزیم، آهن و... بدن برزخی: در برزخ، انسان دارای بدن برزخی می باشد. جنس بدن متناسب با برزخ است جنس بدن برزخی، اعمال و کردار ما در این دنیا می باشد اگر کردار و اعمال شایسته باشد این بدن زیبا، بزرگ و توانمند خواهد بود و اگر اعمال ناشایست و زشت باشد این بدن ضعیف، کوچک و زشت خواهد بود. بدن اخروی: جنس این بدن براساس سریره و باطن آنچه انسان در دنیا کسب کرده می باشد به تعبیر لطیف و کارگشای قرآن کریم: «يَوْمَ تُبْلَى

السَّرائِر» ۱ ترجمه: روز آشکار شدن نمان ها. ۱. طارق؛ ۹. بدن اخروی، آخرین بدنی است که خواهیم داشت لذا هم دارای ویژگیهای بسیار بالا و کارآمدی است و هم اصل همیشگی بودن را به خاطر اینکه جهان آخرت همیشگی است خواهد داشت.

## جنس روح انسان

روح انسان که از آن به نرم افزار تعبیر کردیم، همان جان، نفس و ذات ماست. خدای عزیز در قرآن کریم می فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي» ۱ ترجمه: چون تمامش کردم، از روح خود در او دمیدم. روح ما از روح خداست و می دانیم که روح خداوند، در دمیدن، به ما جدا نشده است، بلکه نوعی از ارتباط خاص بین این روح و روح الهی برقرار است و از آنجا که روح و ذات خداوند غیر قابل دسترسی و احاطه می باشد، لذا شناخت روح که مستلزم احاطه بر ذات خداست، برای ما محال است به همین دلیل قرآن کریم می فرماید: «وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» ۲ ترجمه: و از تو (ای پیامبر) درباره "روح" سؤال می کنند، بگو: "روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!"

## عدم تأثیر پذیرش جاودانگی در وجود جاودانگی

هرگز پذیرش یا عدم پذیرش افراد، تأثیری در وجود قوانین تکوینی نظام خلقت، نخواهد داشت. ۱. ص: ۷۲. ۰۲ اسراء: ۸۵. دو سؤال: آیا اگر کسی اعتقادی به انرژی برق نداشته باشد در صورت تماس با برق نمی میرد؟ آیا اگر کسی قوانین فیزیک و شیمی را نداند یا نپذیرد، این قوانین در مورد او صادق نخواهد بود؟ حتی در قوانین اعتباری مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، ملاک تخلف، تجاوز از قوانین است نه علم به تخلف. البته در قوانین الهی در جزا و عذاب، جاهل را به قاصر (نا آگاه) و مقصر (آگاه) تقسیم کرده اند و هر کدام حکم خاصی دارد. بر همین اساس دین اسلام به علم نقش ویژه ای داده است و همگان را بر آن تشویق و ترغیب کرده است و هیچ دینی مانند اسلام انسانها را به علم دعوت نکرده است. قرآن کریم می فرماید: «يُزَفِّعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» ۱ ترجمه: خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ» ۲ ترجمه: دانایی، سرآمد همه خوبیهاست و نادانی سرآمد همه بدیها. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» ۱ ترجمه: تحصیل علم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است. ۱. مجادله: ۱۱. ۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۷.

## خلاصه درس در چند نکته

۱- جاودانگی انسان یعنی ابدی و همیشگی بودنش. ۲- انسان هرگز از بین نمی رود و تنها بدن اوست که به خاطر تغییر نشئه و مقطع تغییر می یابد و مناسب با آن نشئه و عالم می شود. ۳- چون سه عالم پیش روی انسان است، انسان سه بدن خواهد داشت. ۴- بدن دنیوی از عناصر و بدنهای برزخی و اخروی از کردار، اعمال، سرائر و باطن انسان درست می شود. ۵- حقیقت روح از جانب خداست و ارتباط روح ما با روح خداوند، نوع خاصی از ارتباط است؛ لذا چون شناخت ذات و روح خدا، برای ما امکان ندارد، شناخت تمام حقیقت روح خودمان نیز برای ما غیر ممکن است، مگر به مقداری کم و ناقص. ۶- پذیرش یا عدم پذیرش قوانین تکوینی هیچ تأثیری در وجود آن قوانین ندارد و جهل عذری برای عدم تأثیر آن نمی باشد گرچه در برخی از قوانین اعتباری تخفیفی باشد، که این ارتباطی با قوانین تکوینی ندارد.

## سؤالات درس

۱- منظور از جاودانگی انسان چیست؟ ۲- آیا انسان از بین خواهد رفت؟ چرا؟ ۳- ما دارای چند بدن و روح هستیم؟ ۴- بدنهای ما از چه چیزی درست شده است؟ ۵- روح ما از چه درست شده است؟ ۶- اگر جاودانگی را نپذیریم اشکالی به وجود می آید؟ ۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.

## برای مطالعه بیشتر

۱- قرآن کریم به عنوان برترین منبع برای اثبات جاودانگی انسان است و راجع به مساله معاد به فرمایش علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان، حدود دو هزار آیه، آمده است یعنی حتی بیش از آنچه بر مساله توحید دلالت دارد. ۲- کتب حدیثی در ابواب موضوع درس؛ میزان الحکمه، آثار الصادقین و.... ۳- معاد، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا ۴- معاد شناسی، علامه محمد حسین حسینی تهرانی، ده جلدی ۵- خودشناسی، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات موسسه امام خمینی (ره) ۶- معاد، محسن قرائتی، تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز

## درس دهم: مراحل زندگی انسان

## اشاره

انسان مجموعه ای از روح و بدن است و همانطور که در درس جاودانگی انسان گفتیم، انسان مطابق دنیایی که در آن زندگی می کند دارای بدن است. لذا انسان در عالم دنیا، بدن عنصری و در عالم برزخ، بدن برزخی و در عالم آخرت، بدن اخروی خواهد داشت. قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) انسان را دارای چند گذرگاه می دانند، که در نهایت به عالم آخرت می انجامد و همچنان، ادامه یافته تا فنای در ذات الهی پیش می رود. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ۱ ترجمه: ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی گردیم! عوالمی که انسان طی می کند، عبارتند از: ۱) عالم فطرت یا عالم ذر: عالمی که ارواح انسانها به طور کلی در آن وجود داشته و خداوند آنها را بر فطرت توحید آفریده است. ۱. بقره: ۱۵۶. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» ۱ ترجمه: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی دانند! در این عالم عهدی با خدا بسته ایم و همه انسانها در این عالم ربوبیت خدا را پذیرفته اند. «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» ۲ ترجمه: «و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان ادم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می دهیم! ۳ (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: ما از این، غافل بودیم (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»! اما به قول شیخ بهائی وقتی انسان به دنیا می آید و کم کم بزرگ می شود و نوجوان و جوان می شود، دیگر آن عهدها را فراموش می کند. در روزالست بلی گفستی امروز در بستر لا خفتی نه اشک روان نه رخ زردی الله الله تو چه بی دردی ۱. روم: ۳۰؛ ۱۰۲ اعراف: ۱۷۲. ۳. «آیه اشاره له عهد الست با میثاق عالم ذر دارد، یعنی پیمانی که خداوند از آدم یا بنی آدم بر وحدانیت خود گرفته است. مفسران در تفسیر این آیه به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی که در راس همه آنها طبری و عتیق نیشابوری است، آن را به معنای ظاهری حمل می کنند. یعنی می گویند: در عالم واقع چنین امر معجزه گونه ای اتفاق افتاده است. اما مفسران معتزله و شیعه این آیه را حمل بر ظاهر نمی کنند و آن



را بیان مجازی می‌شمارند.» نقل از: (قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه نامه از بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۱۷۳، حواشی ترجمان). ۲) عالم رحم: همه ما انسانها مدتی از عمر خویش را در رحم مادر سپری کرده‌ایم، در همین عالم خداوند مهربان، چهره و صورت ما صورتگری کرده است. «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» ۱ ترجمه: او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آن چنان که می‌خواهد تصویر می‌کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست. البته اراده خداوند در طول اراده انسان است لذا تمامی خصوصیات والدین و ویژگیهای گوناگون در شکل و شمائل و حتی خصوصیات فردی او تاثیر می‌گذارند لذا اگر کسی نقص بدنی، ذهنی و مانند آن دارد خداوند ستمی به او نکرده است. لذا قرآن می‌فرماید: «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنْ طَيِّبَاتٍ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» ۲ ترجمه: شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد این است خداوند، پروردگار شما! جاوید و پربرت است خداوندی که پروردگار عالمیان است! ۳) عالم دنیا: از هنگام تولد این مقطع آغاز می‌گردد، برخی گفته‌اند؟ این مقطع (دنیا) برای انسان چند مرحله دارد: ۱- تولد و کودکی تا ۱۱ سالگی ۲- نوجوانی ۱۲ سالگی تا ۱۹ سالگی ۳- جوانی ۲۰ سالگی تا ۳۵ سالگی ۴- آل عمرآن: ۶. ۲. غافر: ۶۴. ۴- میانسالی ۳۵ سالگی تا ۵۰ سالگی ۵- کهنسالی ۵۰ سالگی تا ۷۰ سالگی ۶- پیری زیاد ۷۰ سالگی به بالا. البته می‌دانیم که این، شش مرحله معمولاً برای افراد انسان، وجود دارد نه همیشه. ۴) عالم برزخ قبر: انسان پس از رحلت از این دنیا، وارد عالم برزخ می‌شود و عالم برزخ تا قیامت به طول می‌انجامد در این عالم بهشت و جهنم برزخی وجود دارد. ۵) عالم قیامت: عالمی که پس از برزخ قرار دارد و انسان در آن به پاداش‌ها و کیفرهای اعمال خود می‌رسد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَرْكُنَا بَعْضُهُمْ يُؤْمِنُ وَيَمْوُجُ فِي الْبَحْرِ وَبَعْضُهُمْ فِي الْغَوْسِ نُفَخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا» ۱ ترجمه: و در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد)، ما آنان را چنان رها می‌کنیم که درهم موج می‌زنند و در صور (شیپور) دمیده می‌شود و ما همه را جمع می‌کنیم! نکته: در آیات و روایات ما آمده است که خواب و بیداری ما نمونه‌ای از مرگ و زنده شدن است، لذا با تامل و دقت در آنها می‌توان هر روز را بهتر از دیروز آغاز کرد.

## مراحل زندگی انسان

انسان مجموعه‌ای از روح و بدن است و همانطور که در درس جاودانگی انسان گفتیم، انسان مطابق دنیایی که در آن زندگی می‌کند دارای بدن است. لذا انسان در عالم دنیا، بدن عنصری و در عالم برزخ، بدن برزخی و در عالم آخرت، بدن اخروی خواهد داشت. قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) انسان را دارای چند گذرگاه می‌دانند، که در نهایت به عالم آخرت می‌انجامد و همچنان، ادامه یافته تا فنای در ذات الهی پیش می‌رود. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ۱ ترجمه: ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی‌گردیم! عوالمی که انسان طی می‌کند، عبارتند از: ۱) عالم فطرت یا عالم ذر: عالمی که ارواح انسانها به طور کلی در آن وجود داشته و خداوند آنها را بر فطرت توحید آفریده است. ۱. بقره: ۱۵۶. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» ۱ ترجمه: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند! در این عالم عهدی با خدا بسته ایم و همه انسانها در این عالم ربوبیت خدا را پذیرفته‌اند. «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» ۲ ترجمه: «و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم! ۳ (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: ما از این، غافل بودیم (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»! اما به قول شیخ بهائی وقتی انسان به دنیا می‌

آید و کم کم بزرگ می شود و نوجوان و جوان می شود، دیگر آن عهدها را فراموش می کند. در روزالست بلی گفتی امروز در بستر لا خفتی نه اشک روان نه رخ زردی الله الله تو چه بی دردی ۱. روم: ۳۰؛ ۲. اعراف: ۱۷۲. ۳. «آیه اشاره له عهد الست با میثاق عالم ذر دارد، یعنی پیمانی که خداوند از آدم یا بنی آدم بر وحدانیت خود گرفته است. مفسران در تفسیر این آیه به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی که در راس همه آنها طبری و عتیق نیشابوری است، آن را به معنای ظاهری حمل می کنند. یعنی می گویند: در عالم واقع چنین امر معجزه گونه ای اتفاق افتاده است. اما مفسران معتزله و شیعه این آیه را حمل بر ظاهر نمی کنند و آن را بیان مجازی می شمارند.» نقل از: (قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه نامه ار بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۱۷۳، حواشی ترجمان). ۲. عالم رحم: همه ما انسانها مدتی از عمر خویش را در رحم مادر سپری کرده ایم، در همین عالم خداوند مهربان، چهره و صورت ما صورتگری کرده است. «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» ۱ ترجمه: او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آن چنان که می خواهد تصویر می کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست. البته اراده خداوند در طول اراده انسان است لذا تمامی خصوصیات والدین و ویژگیهای گوناگون در شکل و شمائل و حتی خصوصیات فردی او تاثیر می گذارند لذا اگر کسی نقص بدنی، ذهنی و مانند آن دارد خداوند ستمی به او نکرده است. لذا قرآن می فرماید: «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنْ طَيِّبَاتٍ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ» ۲ ترجمه: شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد این است خداوند، پروردگار شما! جاوید و پربرتک است خداوندی که پروردگار عالمیان است! ۳) عالم دنیا: از هنگام تولد این مقطع آغاز می گردد، برخی گفته اند؟ این مقطع (دنیا) برای انسان چند مرحله دارد: ۱- تولد و کودکی تا ۱۱ سالگی ۲- نوجوانی ۱۲ سالگی تا ۱۹ سالگی ۳- جوانی ۲۰ سالگی تا ۳۵ سالگی ۱. آل عمرآن: ۶. ۲. غافر: ۶۴. ۴- میانسالی ۳۵ سالگی تا ۵۰ سالگی ۵- کهنسالی ۵۰ سالگی تا ۷۰ سالگی ۶- پیری زیاد ۷۰ سالگی به بالا. البته می دانیم که این، شش مرحله معمولاً- برای افراد انسان، وجود دارد نه همیشه. ۴) عالم برزخ قبر: انسان پس از رحلت از این دنیا، وارد عالم برزخ می شود و عالم برزخ تا قیامت به طول می انجامد در این عالم بهشت و جهنم برزخی وجود دارد. ۵) عالم قیامت: عالمی که پس از برزخ قرار دارد و انسان در آن به پاداش ها و کیفرهای اعمال خود می رسد. قرآن کریم می فرماید: «وَ تَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نُفَخُ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا» ۱ ترجمه: و در آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که درهم موج می زنند و در صور (شیپور) دمیده می شود و ما همه را جمع می کنیم! نکته: در آیات و روایات ما آمده است که خواب و بیداری ما نمونه ای از مرگ و زنده شدن است، لذا با تامل و دقت در آنها می توان هر روز را بهتر از دیروز آغاز کرد.

### پاداش و کیفر به طور کامل در آخرت

مسلمان نمی توان همه پاداش ها و کیفرهای اعمال انسانها را در این دنیا داد، مثلاً؛ جنایتکاری که هزاران نفر را کشته است، چگونه می توان در این دنیا به مجازات رساند؟ پیامبران و ائمه اطهار (علیهم السلام) و انسانهای بزرگ تاریخ که هزاران بلکه میلیونها نفر را هدایت و کمک کرده اند، چگونه در این دنیا پاداش ببینند؟ در حالی که این دنیا موقت و زودگذر است. مشکلی که در مورد پاداشها و کیفرها در این دنیا وجود دارد هم از نظر کمی (مقدار) است که در مثالهای بالا گفته شد و هم از نظر کیفیت (ماهیت)، چرا که این دنیا محدود است و هرگز این بدن عنصری توان و تحمل پاداش و کیفر را به طور کامل ندارد. اما به برخی از اعمال علاوه بر پاداش و کیفر اخروی، پاداش و کیفر دنیوی هم تعلق می گیرد به قول معروف: "دنیا جای مکافات نیست اما بی مکافات هم نیست" اینطور نیست اگر کسی راه غلط یا درستی را رفت هیچ اثری برای او در دنیا نداشته باشد. انسانهایی که راه غلط را می روند هم در این دنیا دچار نکبت و بیچارگی هستند و هم در جهان بعد اگر بدون توبه بروند دچار عذاب دردناک می شوند. و

انسانهایی که راه صحیح و خدایسندانه را می‌پیمایند هم در این دنیا، لذت بندگی خداوند را می‌چشند و هم در آخرت مشمول لطف خدای سبحان شده و وارد بهشت برین می‌شوند. کهف: ۹۹.

## عوامل آسان جان سپردن

درس ما در مورد مرگ، برزخ و قیامت است، پس باید در مورد مرگ توضیحاتی ارائه کنیم، از مرگ نباید ترسید بلکه باید فکری برای مواجهه با آن کرد. سؤال: اگر متخصص برق، از خطرات آن بگوید تا بیشتر مراقب خودمان باشیم، ما را ترسانده یا اطلاع رسانی کرده است؟ قطعاً اطلاع و علم بر آنچه واقعیت دارد لازم و ضروری است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»<sup>۱</sup> ترجمه: تو (پیامبر) می‌میری و آنها نیز خواهند مرد! بهتر است به جای فرار از فکر مرگ! به فکر راحت جان سپردن باشیم. عوامل متعددی از معصومین (علیهم السلام) در مورد راحت جان سپردن رسیده است، عمده آنها عبارتند از: ۱- ایمان به خدا: کسی که ایمان واقعی به خداوند دارد هرگز دچار وحشت و ترس از مرگ نمی‌شود مگر به خاطر کمی اعمال و عرضه اعمال بر خداوند و طبیعی است که این ترس از مرگ نیست، بلکه به خاطر نقص اعمال است و این ترس، بسیار پسندیده است. ۲- نیکی به پدر و مادر: حق پدر و مادر بر فرزند بسیار عظیم است. ۳- صله رحم: یعنی در حد توان به نزدیکان و ارحام خود سر بزند و از آنان دلجویی کند. ۴- زیارت امامان (علیهم السلام) مخصوصاً امام حسین (علیه السلام)<sup>۲</sup> اعم از زیارت کربلای معلی و خواندن زیارتنامه‌های معصومین (علیهم السلام) که در کتبی چون؛ مفاتیح الجنان آمده است. ۵- محبت اهل بیت (علیهم السلام): این محبت باعث راحت جان سپردن است. ۶- ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) تا امام زمان (علیهم السلام). ۷- نماز اول وقت ۸- خدمت به مردم ۹- برخی از اعمال عبادی<sup>۳</sup> مانند: نمازهای مستحبی ماه رمضان، نماز شب و مانند آنها، که برای توضیح بیشتر باید به مفاتیح الجنان و کتب ادعیه مراجعه کرد. ۱۰- رضایت خداوند از اعمال انسان.

## ترس از مرگ

اکثر مردم از مرگ می‌ترسند، عوامل متعددی باعث چنین ترسی شده است. مهمترین عوامل ترس از مرگ عبارتند از: ۱- تصور نابودی با مرگ: برخی گمان می‌کنند با مرگ نابود می‌شوند در حالیکه منشاء این تفکر جهل و نادانی است هیچ انسانی با مرگ بدن عنصری نابود نمی‌شود، بلکه تنها یک ابزار (بدن عنصری) را از دست می‌دهد و ابزاری دیگر (بدن برزخی) را حائز می‌گردد. ۲- نشناختن مرگ و حقیقت آن: مرگ باعث تطهیر انسان از بسیاری رذائل اخلاقی و زشت است لذا در روایات از مرگ به حمام تعبیر شده است،<sup>۱</sup> که انسان با ورود در آن پاک و پاکیزه می‌گردد و انسان مومن پس از این حمام از گناهان خارج می‌شود. ۳- ترس از عرضه اعمال: مومنان به خاطر اینکه معتقدند با مرگ اعمالشان بر خداوند و فرشتگان عرضه می‌شود از مرگ اکراه دارند لذا می‌خواهند اعمال بهتر و بالاتری را به پیشگاه او عرضه کنند لذا از مرگ می‌ترسند. ۴- آماده نبودن برای مرگ: برخی همیشه امروز و فردا کرده‌اند و از کارهای زشت، توبه نکرده‌اند لذا بسیار از مرگ می‌ترسند و اصلاً حاضر نیستند از این دنیا رخت بپوشند چون هیچ کار خیری انجام نداده‌اند. ۱. معانی الاخبار، ص ۲۸۹. ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۱۶.

## یاد مرگ

در روایات ۲ آمده است افراد زیرک و باهوش همیشه به یاد مرگ هستند و این زیرکی و باهوشی غیر آنچه مردم آن را زیرکی و باهوشی تصور می‌کنند می‌باشد. بزرگان گفته‌اند: «عمر همه انسانها در این دنیا به اندازه یک پلک زدن عمر یک نفر در آن دنیا (آخرت) نیست» اصلاً دنیا با آخرت قابل مقایسه نیست، چون هیچ چیزی با بی‌نهایت قابل قیاس نمی‌باشد لذا افراد باهوش و

زیرک در این دنیا در ارتباطشان، زندگی‌شان، درسشان، ازدواجشان و کارشان یاد مرگ را از نظر دور نمی‌کنند. همین یاد مرگ باعث شده که آنها بسیار خوب، دقیق، با نشاط و امیدوار زندگی کنند و دست به هیچ کار خطایی نزنند و خود را ارزان یا گران نفروشند.

## برزخ و قبر

یکی از دشوارترین لحظات برای اکثر انسانها لحظه جان سپردن و قرار گرفتن در قبر است به همین دلیل در روایات آمده است ۲: بیشترین مهربانی خدا به بندگان در هنگامی است که در گور نهاده می‌شود. قبر همان عالم برزخ است، وقتی انسان جان سپرد، جسمش از نظر اسلام با ارزش و اهمیت است چون بدن مسلمان است، لذا با شرایط خاصی دفن می‌گردد. اما اتفاقاتی که توضیحش می‌آید، در آن قبر خاکی نمی‌افتد بلکه عالمی به نام عالم برزخ که بدن برزخی در آن است جای گفتگوها و مسائل دیگر است، گرچه برخی بر بدن عنصری خویش نیز اشراف دارند، اما بدن عنصری دیگر کارش تمام است و روح به وسیله آن عذاب یا پاداش نمی‌بیند و این بدن برزخی است که پاداش یا عذاب می‌بیند. عالم برزخ از زمان جان سپردن تا نفخه صور، یعنی قیامت ادامه دارد. ۱. استاد شیروی. ۲. کثر العمال، ۴۲۳۸۶.

## مدت برزخ و قیامت

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: "عالم برزخ از وقت مردن شروع و تا روز قیامت ادامه دارد" ۱ پس از برزخ قیامت ظهور و بروز می‌کند. « وَ نُفَخَ فِي الصُّورِ فَصَبَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ » ۲ ترجمه: و در "صور" دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینها می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد سپس بار دیگر در "صور" دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. مدت و زمان قیامت بسیار طولانی است به طوریکه می‌توان آن را نامحدود دانست، و در قرآن کریم به خالدین (همیشگی) تعبیر شده است. بنابر فرمایش قرآن کریم بهشت بعد از جهنم است، یعنی؛ همه بهشتیان از جهنم عبور می‌کنند. ۳ البته از پل صراط که بر روی جهنم کشیده شده، این پل از شمشیر تیزتر و از مو باریکتر است، گروهی سریع از آن عبور می‌کنند و گروهی در جهنم سقوط می‌کنند و سپس به بهشت می‌رسند، گرچه غیر از عده معدودی، بقیه انسانها به بهشت می‌روند، ولی انتهای مسیر انسان بهشت نمی‌باشد، بلکه نهایت کار انسان، بازگشت به ذات خدای سبحان است ۴۰ سؤال: بهشتیان در بهشت خسته نمی‌شوند؟ جواب: برای اینکه بهشتیان در بهشت خسته و آزرده نگردند در روایات داریم، هر هفته یکبار مدل بهشت را عوض می‌کنند. ۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۷۶. ۲. زممر: ۶۸. ۳. مریم: ۷۱. ۴. انا لله و انا الیه راجعون.

## سوالات برزخ

هیچی علمی به غیر از وحی الهی نمی‌تواند عهده دار پاسخ به این سؤال باشد که در عالم قبر و برزخ چه سؤالاتی از انسان می‌شود، لذا ما از روایات برای پاسخ به این سؤال کمک می‌گیریم. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «يُسْأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ خَمْسٍ عَنْ صِيَمَاتِهِ وَ زَكَاتِهِ وَ حَجِّهِ وَ صِيَامِهِ وَ وِلَايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَقُولُ الْوَلَايَةُ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ لِلْأَرْبَعِ مَا دَخَلَ فِيكَ مِنْ نَقْصٍ فَعَلَيْ تَمَامِهِ» ۱ ترجمه: از مرده در گورش از پنج چیز سؤال می‌کنند: از نمازش، زکاتش، حجش، روزهاش و ولایتش نسبت به ما خاندان. پس، ولایت از گوشه قبر به آن چهار چیز می‌گوید: هر یک از شما کم و کاستی داشتید، کامل کردن آن به عهده من. در برخی دیگر از روایات ۲ آمده که از پروردگار و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن و ائمه طاهرين (عليهم السلام) سؤال

می شود.

## سؤالات قیامت

چنانکه گفتیم، سؤال در قیامت چون خبر از غیب است لذا این مطالب را باید از معصومین علیهم السلام پذیرفت، چون آنها علم غیب داشته و از هر خطایی نیر مصون و پاک می باشند. در قیامت انسان قدم از قدم بر نمی دارد مگر از چهار چیز سؤال می شود: (۱) عمرت را در چه راهی صرف کردی؟ (۲) جوانیت را چه راهی صرف کردی؟ ۱. کافی، ج ۳، ص ۲۴۱. ۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۴۳. ۳) مالت را از چه کسب کردی و در چه راهی صرف کردی؟ (۴) از محبت اهل بیت (علیهم السلام) سؤال می شود که چگونه به محبت آنان جامه عمل پوشاندی؟ ۱

## عوامل عمده سعادت و عاقبت به خیری

عوامل زیادی برای سعادت و عاقبت به خیری بیان شده است مهمترین آنان به شرح زیر است: ۱- ارتباط ویژه با خداوند: مخصوصاً خلاص و نماز اول وقت. ۲- محبت اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً امام حسین (علیه السلام). ۳- عمل بر طبق علم و آنچه میدانیم. ۴- ارتباط با دانشمندان و علماء. ۵- پرهیز از بدی کردن به مردم حتی حیوانات و محیط زیست. ۶- نیکی کردن به پدر و مادر و صله رحم. ۷- تحصیل علم و عمل به آن.

## کمک به درگذشتگان

برخی گمان می کنند که اگر برای تازه گذشته به گریه اکتفاء کنند، کافی است در حالی که اگر دو رکعت نماز برای او هدیه کنند، و یا اگر به نیت او صدقه یا اطعامی کنند، گرچه کم باشد بسیار برایش پرفائده است. البته گریه باعث آرامش روانی و تسکین است لذا در روایات ۴ اهل بیت (علیهم السلام) آمده است اگر کسی دچار فشار و مشکل روحی شده بهتر است، گریه کند چرا که گریه باعث آرامش و تسکین او می گردد. اما این گریه برای شخص مصیبت دیده، خوب است نه برای در گذشته، برای در گذشته باید ۱. امالی صدودق: ص ۳۹. ۲. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۰۵. کارهای دیگری کرد، از جمله: ۱) صدقه و اطعام کنید، گر چه کم باشد. ۲) نماز مستحبی برایش هدیه کنید. ۳) قران تلاوت کنید و به او هدیه نمایید. ۴) برایش دعا کنید و از خداوند، برایش طلب بخشش کنید.

## خلاصه درس در چند نکته

۱- انسان پنج مرحله زندگی دارد: عالم فطرت، عالم رحم، عالم دنیا، عالم برزخ عالم آخرت. ۲- دنیای مادی و عنصری، ظرفیت پاداش ها و کیفرهای انسانها را ندارد. ۳- دنیا جای مکافات اعمال نیست ولی بی مکافات هم نیست. ۴- برخی از اعمال انسان در همین دنیا پاداش و کیفر داده می شود، مانند: اثر صله رحم در طولانی شدن عمر، اثر ظلم در بدبختی و نکبت انسان. ۵- ترس از مرگ به خاطر عواملی است از جمله: تصور نابودی، نشناختن حقیقت مرگ، ترس از عرضه اعمال به خداوند، عدم آمادگی برای مرگ. ۶- مهمترین راههای آسان جان سپردن عبارتند از: ایمان به خدا، نیکی به پدر و مادر، صله ارحام، محبت و ولایت و زیارت اهل بیت (علیهم السلام) و مخصوصاً امام حسین (علیه السلام)، خدمت به مردم، برخی اعمال عبادی، جلب رضایت الهی از اعمال. ۷- یاد مرگ مانع خطا و گناه فردی و اجتماعی است و باعث نشاط و رضایت انسان از خویش می گردد. ۸- برزخ همان عالم قبر است ولی نه اینکه بدن عنصری متحمل عذاب یا پاداش شود بلکه این بدن برزخی است که کیفر و پاداش می بیند، لذا در برزخ

جهنم و بهشت وجود دارد. ۹- برزخ از لحظه مرگ تا دمیدن در صور یعنی قیامت به طول می انجامد. ۱۰- مدت قیامت، بسیار بسیار طولانی است به طوری که می توان گفت؟ بی نهایت است، لذا در قرآن و نصوص دینی تعبیر به خالدین (همیشگی) آمده است ولی نهایت کار انسان برگشت به ذات پاک ربوبی است زیرا ما همه از خدائیم و به سوی خدا برمی گردیم. ۱۱- در روایات آمده است، برای اینکه بهشتیان خسته نشوند هر هفته یکبار مدل بهشت را عوض می کنند. ۱۲- سؤالاتی از انسان در برزخ می شود، از جمله: سؤال از پروردگار، پیامبر، امام، قرآن، نماز، زکات، حج، روزه، ولایت اهل بیت (علیهم السلام). ۱۳- سؤالاتی از انسان در قیامت می شود، از جمله: طریقه مصرف عمر و مخصوصاً جوانی، کسب مال و هزینه آن و خصوصاً از ولایت اهل بیت (علیهم السلام). ۱۴- عوامل سعادت بسیار است، از جمله: ارتباط با خداوند، اخلاص، محبت اهل بیت (علیهم السلام)، تقوا، تحصیل علم، نیکی به پدر و مادر، احترام به همگان، صله رحم، ارتباط با دانشمندان و علماء است. ۱۵- چون گریه سبب تسکین مصیبت زده است و ثمره ای برای در گذشته ندارد، پس برای شادی روح گذشتگان باید: نماز مستحبی، قرائت قرآن، اطعام، دعا مانند آنها هدیه کرد.

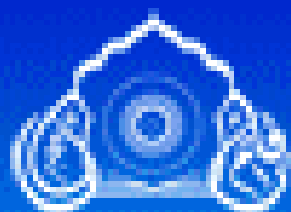
### سؤالات درس

۱- مراحلی که یک انسان طی می کند چیست؟ ۲- دلیل اینکه پاداش ها و کیفرها در همین دنیا داده نمی شود چیست؟ ۳- فلسفه پاداش و کیفر، اخروی در چیست؟ ۴- یاد مرگ چه فوایدی می تواند داشته باشد؟ ۵- چرا اکثر مردم از مرگ می ترسند؟ ۶- چه عواملی باعث راحتی جان سپردن است؟ ۷- رابطه برزخ و قبر چگونه است؟ ۸- مدت برزخ و قیامت چه مقدار است؟ ۹- چه سؤالاتی از انسان در برزخ و قبر می شود؟ ۱۰- چه سؤالاتی از انسان در قیامت می شود؟ ۱۱- چه عواملی باعث سعادت و عاقبت به خیری است؟ ۱۲- چگونه می توانیم به در گذشتگان کمک کنیم؟

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

